وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
مي کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره یازدهم دوشنبه ۳۰ جدی ۱۳۸۱ - ۱۹ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 20 January 2003

استاد ربانی در دیدار با بزرگان وفرماندهان شمال کشور:

مجاهدین به خاطر حفظ فرهنگ وتمدن ودانش جهاد کردند

هرچند عده یی بخواهند باعینک سیاه تاریخ کشورمارا ببینند اما نمی توانند این تاریخ پرافتخار رامسخ کنند

تازمانی که با رعایت ارزش های ملی وفرهنگ مردم قدم برداشته نشود هیچ حرکتی درجهت توسعه وپیشرفت نتیجه نمی دهد ص۳



سیمیناری در مورد رعایت حقوق بشر در کشور دایر گردید

در دربارهٔ رعایت حقوق بشر در کشور سیمیناری از طرف کمیسیون ملی حقوق بشر افغانستان در سالن فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۲۵ جدي برگزار گردید.

سیمینار با تلاوت آیاتی از قرآن پاک آغاز یافت. فاطمه گیلانی از جمله سخنرانی بود که کار سیمینار را با سخنانش افتتاح نمود. وی ضمن سخنرانی اش پیرامون رعایت حقوق بشر در کشور، اظهار امیدواری نمود که قانون اساسی کشور که در حال تدوین است دولت را به رعایت حقوق انسانی در کشور مکلف سازد.

بعداً عبدالجبار ثابت رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان بیانیه اش را درباره تامین و رعایت حقوق بشر درکشور قرائت نمودکه ضمن آن پیشنهاداتی را مطرح نمود:

-در قانون اساسی جدید کشور فهرست مکمل حقوق بشر درج گردد و قانون اساسی رعایت حقوق مذکور را تضمین نماید.

-دولت ضمن انفاذ ضمیمه قانون جزا، تخلف از حقوق بشر در کشور را جرم تلقی نموده، حداقل جزای آن سه سال حبس باشد.

-تحکیم سلطه حکومت مرکزی در تمام ولایات کشور و اعاده نظم و قانون در سراسر کشور، شرط اساسی تامین حقوق بشر است. این کار زمانی ممکن می گردد که ائتلاف بین المللی با حکومت مرکزی در زدودن عوامل نقض حقوق بشر کمک ویاری رساند.

در کار سیمینار تعدادی از حقوق دانان، کارمندان عرصه قضایی و حقوقی و تعدادی از فرهنگیان اشتراک داشتند.

استاد شاداب از آن جمله بود، وي ضمن سخناني مبسوط در پیرامون حقوق بشر گفت: اثرات دوجنگ جهاني اول ودوم برخي از وجدانهاي بیدار درغرب را وادارکرد که درپي التیام بخشیدن به این زخم ها به نام حقوق بشر یك سري فعالیت هاي انساني رأ به راه اندازند و افزود:

لهذا حقوق بشر مطرح بحث کنوني درجهان از زمینه هاي غربي نشأت کرده است باید جهت تطبیق پهلوهاي انساني آن درجامعه خودمان با بستر تاریخي وفرهنگي و دیني ما هماهنگ شود و الاانه تنها موفقیتي به دست نخواهد آمد که باعث بحراني تازه نیزخواهد گردید.

خوشبختانه مادر میراث فرهنگی دینی خود چیزی به نام مقاصد شریعت داریم که عبارت است از حفظ وحمایت از دین به مفهوم آزادی دیني و حفظ و حمایت نسل و مال وآبرو و خرد که اینها پایه و اساس حقوق انسانی را در اعلامیه جهاني حقوق بشر نیز می سازد.



دزدان مسلح یک مسافر را کشتند وپولش را ربودند

روز پنجشنبه هفته گذشته پس از عصر در منطقه میان سرای شمالی و حصه سوم خیرخانه دو تن از دزدان مسلح یک مسافر را که تازه از بدخشان رسیده بود کشتند و پولش را ربودند.

این حادثه زمانی رخ داد که دو تن از مسافران تازه وارد به یک تاکسی که دو سواری از پیش داشت سوار شدند ، وقتی دیدند رانده آنان را به بی راهه می برد سرو صدا سر دادند و میان آنان و دزدان مشاجره رخ می دهد ودرنتیجه دزدان یکی از دو مسافر را می کشتند و پول نه چندان اندکش را که جهت خرید مال التجاره آورده بود می ربایند، دراین هنگام رفیقش موفق به فرار می گردد.

این حادثه در حالی واقع می شود که حوادث شبیه آن در بسیاری از نواحی شهر کابل به گونه خبر معمول در آمده است که بی تردید چنین اوضاع نا امن بر تمامی پهلوی زندگی وبازسازی اثر نامطلوب می گذارد . باید مقامات امنیتی و دولت جداً بدان بپردازند.

حمله امریکا بر عراق قریب الوقوع به نظر می آید

هیأت باز رسان بین المللی انرژی اتمی وارد بغداد، پایتخت عراق، شده اند و انتظار می رود در ملاقات با رهبران عراق، خواستار همکاری بیشتر آنان با عملیات بازرسی تسلیحاتی آن کشور شوند.

هانس بلیکس، بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل، و محمد البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی، گفته اند که در خلال دو روز مذاکرات خود در بغداد، نظرات خود را به طور جدی با دولت عراق مطرح خواهند کرد.

روز شنبه، ۱۸ جنوری آقای البرادعی فاش کرد که بازرسان سازمان ملل متحد حدود سه هزار برگ اسناد و مدارک را در خانه یکی از دانشمندان عراقی به دست آورده اند که نام وی در اختیار سازمان ملل قرار نگرفته بود. ص۸

مطالب دیگر صفحات داخل

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

دیدگاه ما در بارهٔ پیش نویس قانون احزاب

بر پایهء اطلاعات و گزارش های نشر شده در مطبوعات قراراست قانونی برای احزاب سیاسی کشوراز سوی وزارت عدلیه تدوین گردد.

ما بار بار دیدگاه خویشتن را دربارهء مسائل بسته به قانون گذاری -قانون احزاب نیز لاجرم از آن جمله است- بیان داشته ایم، و آن این که ماتنها یک مرجع قانونی برای همچون مسائل قائل هستیم و آن عبارت از شورای ملی یا پارلمان است وبه جز پارلمان یا شورای ملی منتخب مردم دیگر هیچ کسی و هیچ نهادی به ویژه حکومت نمی تواند این کار را انجام دهد و این را از مستلزمات جدایی نا پذیر نظام دموکراسی می دانیم که در نبودش برای نظام حاکم ولوبا هر شعار پرطمطراقی بوده باشد جز عنوان خودکامگی نمی توانیم لقبی دیگر بیابیم، بناء آنچه به عنوان مسائل قانونی و حقوقی در مجامع ونهاد هایی مورد بحث قرار می گیرد تنها می تواند پهلوی مقدماتی و به اصطلاح تسوید داشته باشد نه ابرام و الزام.

با تأکید بر مطالب بالا در زمینه قانون گذاری به گونه عام، موارد زیر را در بارهء پیش نویس قانون احزاب به گونهء ویژه قابل رعایت می انگاریم:

۱.بسیاری از احزاب اسلامی بر پایهء قانون اساسی سال ۴۳ (قانون اساسی کنونی نیز) سازمان های سیاسی قانونی تلقی می شوند چون گذشته از بهره مندی از مشروعیت کارزار ماتیکی و مردمی و کار زار برای رهایی مردم واستقلال کشور و نظام دموکراسی، فعالیت شان منطبق به ماده سی ودوم این قانون اساسی است، در این قانون اساسی "...اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل بدهند.." و " حزبی که مطابق قانون تشکیل می یابد بدون موجبات قانوني و حکم ستره محکمه منحل نمی شود".

لذا سخن از انحلال همهء سازمان های اسلامی که گاه و ناگاه از سوی شماری عنوان می گردد سخنی فاقد منطق قانون بیش نیست، و لابد این مسأله در بارهء پیش نویس قانون احزاب مورد توجه قرار گیرد.

۲ - افغانستان یک کشور اسلامی است واین واقعیت حکم می کند که باید احزاب سیاسی آن در هماهنگی با تاریخ و فرهنگ این کشور و معتقد ات مردم آن وجههء اسلامی داشته باشد. سخن از جدایی دین از سیاست در این کشور و طرح لائیک بودن احزاب سیاسی که در حلقاتی مورد بحث قرار می گیرد، افزون براین که سخن از تکرار یک تجربه ناکام در بر خی از کشور های اسلامی انگاشته می شود مخالفت صریح با مفاد قانون اساسی نیز دارد چون دین مردم افغانستان بر پایهء این قانون اساسي اسلام است و اسلام همه پهلو های زندگی از جمله سیاسی را احتوا می کند.

۳." تشکیلات و منابع مالی" احزاب باید آشکار باشد و احزاب هیچ کونه کمک مالی از کشور های خارجی در یافت نکنند، تجربه نشان داده است احزابی که از بیرون کمک مالی در یافت کرده اند، بیشتر در خدمت برآوردن اهداف و مطامع کشور های کمک دهنده گام بر داشته اند تا در جهت منافع کشور و مصالح مردم ، و چه بسا که به نام فعالیت های سیاسی به کارهای استخباراتی پرداخته اند.

٤.وقتی احزاب نتوانند کمک هایی از بیرون به دست آورند ناگزیر دولت بخشی از هزینهء آنهارا جهت سامان دادن به فعالیت های سیاسی شان بپردازد، و برای این که دارایی عامه دراین زمینه به هدر نرود، شرط هایی در بارهء رسمیت یافتن احزاب سیاسی در نظر گرفته شود نظیر آنچه در لویه جرگه برای نامزدی ریاست دولت در نظر گرفته شده بود که کاندیداتور لا اقل پیش از رأی گیری امضای ۱۵۰ تن از اعضای لویه جرگه را به دست آورد، که می‌شود بدین سان تأیید میانگینی از جمعیت کشور را برای رسمیت یافتن احزاب درنظر گرفت.

٥.باید افرادی قادر به احراز سمت رهبری و عضویت در مراکز تصمیم گیری احزاب باشند که تنها دارای شهروندی افغانستان هستند زیرا شهروندی چند گانه با منافع ملی کشور که احزاب سیاسی در راستای آن گام برمی دارند منافات روشن دارد.

اعتماد سازی، یک نیاز یک هدف

"نگرشی بر یکی از چالش های دوران گذار"

دانیال هروی

یک سال از شروع دوران نوین در حیات افغان ها می گذرد، سالی مملو از امیدها و نا امیدی ها، دستاوردها و شکست ها و بالاخره ملایمات و ناملایمات.

هرچند در بستر تاریخ، یک سال زمانی است اندک و بنا بر این فاقد قابلیت برای معیار و ملاک قرار گرفتن، اما در بستر تحولات پرشتاب افغانستان، یک سال زمانی است قابل تأمل و بنابر این دوره زمانی نسبتاً مناسب برای ارزیابی دستاوردها و شکست ها و باز هرچند افغانستان در حال حاضر در دوران گذار به سر می برد و با توجه به خصوصیات این دوران از جمله آسیب پذیر بودن و انبوه مشکلات، معضلات و موانع پیش رو، سطح توقعات و انتظارات باید متناسب و هم سطح با آن باشد، اما با درنظرگرفتن ملاحظات فوق و با پیروی از منطق و عقلانیت، در این نوشتار بر آنیم تا یکی از مشکلات و معضلات مشهود و محسوس در طول یک سال اخیر و یا یکی از چالشهای گریبان گیر دوران گذار را به بررسی بگیریم و آن نوعی نگرانی و تشویش در بارهء وضعیت کنونی است که خود منجر به نوعی بی اعتمادی نسبت به اوضاع کنونی در افغانستان شده است، موضوعی که به علت گستردگی و گستره شیوع آن می توان به آن لقب بحران بی اعتمادی داد. ما بدون آن که در پی ریشه ها و عوامل این بحران باشیم، بر آنیم تا با ارزیابی این واقعیت، مسوولین ومقامات مسوول دولت را متوجه این بحران و پیامدهای سوء آن بنماییم.

منظور از بحران بی اعتمادی چیست؟

منظور از بحران بی اعتمادی، نوعی تشویش و نگرانی نسبت به اوضاع کنونی در افغانستان است که دارندگان آن، جایگاه خود را در بستر اوضاع موجود مطلوب ندانسته و امکان زیست شان را در چنین اوضاعی با توجه به برخی موانع ومشکلات، دشوار می یابند. علاوه بر تشویش و نگرانی عمومی که بیشتر در نزد عامه مردم نسبت به کند بودن روند ایجاد ثبات و امنیت و پیشبرد روند بازسازی موجود است، این تشویش ها و نگرانی های موجود را می توان در قالب چهار گروه مورد بررسی قرار داد.

۱-تشویش و نگرانی ولایات مختلف

۲-تشویش و نگرانی برخی شخصیت های سیاسی-معنوی

۳-تشویش ونگرانی برخی از کشورها

۴-تشویش و نگرانی مهاجرین افغان مقیم خارج

۱-تشویش و نگرانی گروه نخست هم بار اقتصادی و هم بار سیاسی دارد، چنانکه از یکسو شاهد تشویش و نگرانی برخی ولایات نسبت به محروم ماندن از برخی مزایا و امتیازات و یاتقسیم نا مناسب کمک های بین المللی ویا اختصاص نا عادلانه پروژه های بازسازی بوده و از دیگر سو نظاره گر شکایت برخی از مقامات ولایتی از سهم نا چیز و نا مطلوب در ساختار سیاسی و بخش های مختلف آن می باشیم.

نگرانی نوع اول با بار اقتصادی بیشتر در میان مردم عادی ولایات و نگرانی دوم با بار سیاسی در میان مسوولین و مقامات ولایات موجود است، اما باید گفت که شدت وضعف این نگرانی در میان ولایات مختلف متفاوت می باشد.

البته باید گفت که در مقابل دولت مرکزی نیز نسبت به عملکرد ویا عدم تمکین مناسب برخی ولایات در مقابل دولت مرکزی شاکی بوده است.

۲-در گروه دوم تشویش و نگرانی بیشتر بار سیاسی دارد، این نوع نگرانی متعلق به برخی شخصیت های سیاسی-معنوی با پایگاه اجتماعی-معنوی قوی و پر نفوذ است.

اینان معتقدند که در بستر اوضاع کنونی، نقش مطلوب وسازنده آنها در دوران جهاد و مقاومت به فراموشی سپرده شده وبنابر این در شرایط کنونی از جایگاه سیاسی شایسته و بایسته برخوردار نیستند.

۳- در گروه سوم، نگرانی و تشویش برخی از کشورها از جمله کشورهای همسایه مطرح است. این کشورها اولاً نوع روابط و موازنه درون ساختار ی موجود در افغانستان و ثانیاً نوع روابط این ساختار با دنیای خارج را مغایر و متعارض با منافع خود می دانند و بنا بر این مبتلا به نوعی احساس نگرانی توأم با احتیاط شده اند. ص٦

افغانستان یو خپلواک امنیت ته تږي دي

سعیدي

ډیره موده وشوه، چې دافغانستان دسیاسي هرم دڅپه کیدو او راسته کیدلو پرسرنړیوالي لانجې رواني دي. خو دادلون بدلون نړیوالو حرفوي کار پوهانو دغه، اودي ته ورته دسیمي نورموخه ایېزهرمونه پرخپلو قاعدوپاخه درولي، او کله يي هم دهرم څوکې ته دقاعدي په سترګه کتلي، او دسیاسي اتکا دثقل دمرکز داسي تکي ته يي برابرکړي، چې له هغه څخه ددغه هرمونو دثبات تمه نه شي کیداي، همدالامل دي چې ډیرو خبرودلړغوندي کړو وړوخاي هم نه دي نیولي، او ددولت او ملت ترمینځ يي دبي باوري او نه هیلیوفاصلي جوړي کړي دي. دا څکه چې له یوي خواپه افغانستان کې دیوي روغي اداري دجوړیدو خبري کیږي، لفظي او لیکلي ژمني په کې وشي، خوله بلي خوا دډول ډول آنوبهانو په توښه د(بخور ونمیر) دځبینباګر فورمول له مخي څنډول کیږي، او یا خو دداسي کسانو په واك کې ورکول کیږي، چې هغوي خپلو ځانوته په کې له (لسوزرو ډالرو درواخله، بیا آن تر اتلسو زرو ډالرو) میاشتني معاشونه، او دخپلو اولادونو دبیمي لګښتونه پرخپل زړه ټاکلي، هغه دڅا خبره، خیر که دافغانستان دملت پراووړباندي دراتلونکي فقر او غربت دغه دروند پیټي وربار شي، بل لورته سیمه ایېزوچارواکوته دنظامي سیاست دقاچاق له لاري مالي تغذیه ورکول کیږي، او دهغوي دځاني ګټوداقتصاد پرېن باندي يي دمظلوم ملت دپیداوارو عامه شتمنیو، او ګمرکي محصولاتو ویالي ورسپړي کړي دي، ترڅو دسیمه ایېزو لانجو دودي په صورت کې دغه پرڅوکه دریدلي سیاسي هرم نور هم بي ثباته کړي. له هري خوا څخه هرچاپه هیواد کې دننه او دباندي ددغه ځړي پړي هوا څخه پراستفادي سره دي خاوري ته دغرض لاسونه راغزولي، وطني او بهرنیو غلولاسونه سره یو کړي، دکورونو او ښارونو دجوړولو دپروسي په نوم حرفوي دلالانو له کم تجربه افغانانو څخه ډیري پیسي ترلاسه کړي، او غله څه وتلي، او څه دوتلو په حال کې دي. لاړي او سرکونه، چې دهیواد دتغذیې، ودي او تفکر له اداټو سره تړاولري، په هیواد کې ټول وران ویجاړ دي، دبیا رغاونې ډنډوري اوریدل کیږي؛ خو دجوړیدو څرك يي تر دي دمه پوري چاپه سترګو ونه لید. دتیر کال راهیسي څه کم دوه میلیارده ډالره مرستي ددي هیواد دبیا جوړیدو له پاره ترلاسه شوي دي، خو دموڅر او ښستیز جوړښت له پاره ټول ټال تردوه نیم سوه میلیونه ډالرو زیات کار چانه دي کړي، دغه او یا زره کیزه اردو چې ملګرو ملتو دافغانستان له پاره ټاکلي ده، او دهغه دجوړیدو بهیر په اصطلاح په سیاسي اندول په پام کې نیول شویدي، او په کال کې ایله په ایله زرتنه عسکروته ښوونه او روزنه ورکولي شي، نو کیداي شي داجوړښت به تر ۷۰ کالو پوري روان وي، حال دا چې افغانستان همدا نن خپلواك امنیت ته تږي دي، او ورځ په ورځ امنیتي ګواښونه مخ پرډیریدو دي، دخلکو پرسر، مال او ناموس باندي تیري کوونکي بریدونه کیږي، که چیرته ددغه نیمګړتیا وومخه ونه نیو له شي، نو کیداي شي، چې ددغه آفتو ځنلي هیواد هغه تیرو ۲۳ کلنو کفن کښانوته به خلك لبیك ووایي. څکه چې نن سبا هرڅوك دژوند په ټولو برخوکې دبي امنی احساس کوي.

اوس هم زور وریرلویدلو خلکو باندي له واك څخه پراستفادي سره ناوړه ګټه اخلي، همدلته ده چې په دولت کې به چارواکي په خپلو ژمنوکې پاتي راځي. ددولت او ملت دبېلوټګلارو له کبله به فاصلي مینځ ته راځي. سیاسي ثبات به کمزوري، دګواښونو او نوښتونو نښي به پیل، او بالاخره دکاواکي په پاي کې به دلاس وهنو سریالونه پیلیږي، افغانان به دسیمي دنورو هیوادو په پرتله بي واکه، او ددوي حق به د بي عدالتیو په سولي کې ځړیدلي پاتي وي، بیت المال به تل لوټ او هرکس او ناکس به دواك ګدي ته دهڅي تکل کوي.

حکومتونه به داصولي قاعدي دنشتوالي له کبله په زور را مینځته کیږي، او په زور به له مینځه ځي، په هرګوټ کې به دديموکراسي ترنامه لاندي د هیوادوالو بشري حقوق ناله ترغه وي. دټوپك سالاري له لاسه به ملي اردو، امنیت، او سیمه ایېزواړیکوته تل ګواښ وي، هیڅوك به دپانګي اچولو زړه دلته نه ښه کوي، حال دا چې سیمه ایېزي اړیکي دامنیت په موجودیت کې داقتصادي ستونزو د له مینځه وړلو، بیارغاونې او نړیوالي باور دبیا ترلاسه کولو ښکاره بیلګي دي. اداري تزویر، چې داداري فساد او سیاسي نظام دړنګیدو اصلي لامل دي، لاقانونیت اوخپل سري په کې راټوکیږي، محوري چارواکوته په کار ده، چې اداري جوړښت ته دقانون په چوکاټ کې پوره پاملرنه وکړي. او هغه عملي کړي.

مجاهدین به خاطر حفظ فرهنگ وتمدن ودانش جهاد کردند

به تاریخ ۲۵جدی استاد در جمعی از بزرگان ومسؤولان بلند پایهٔ ملکی و فرماندهان نظامی ولایات شمال کشور که محترم استاد عطا قوماندان قول اردوی نمبر ۷ وعلم خان آزادی وحاجی رحیم و فرمانده محمد ظاهر "و حدت" نیز حضور داشتند، سخنانی ایراد فرمودند که اینک خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می گردد.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی أشرف الانبیاء و المرسلین و علي آل وصحبه اجمعین

برادر ارجمند و عزیز الحاج عطا محمد خان قوماندان قول اردوی نمبر ۷ یکی از برجسته ترین و بزرگترین فرماندهان در طول جهاد و مقاومت که شاهد و شریک بزرگترین حماسه های ملی مان هستند.

قوماندان علم آزادی که یقیناً علم آزادی کشور را در اهتزاز در آوردند.

ظاهر وحدت کارنامه هایی دارند که تاریخ معاصر برای فردای کشور هرگز آن را فراموش نمی کند.

حاجی محمد رحیم که بند بند جسم شان از اثر مرمی های دشمن زخم خورده است و چندین بار در دوران جهاد جراحات شدیدی برداشته اند و تشریف آوری همه برادرانی را که از شمال کشور از مزار شریف و شبرغان و میمنه و دره صوف به اینجا آمده ند استقبال می کنیم و خوش آمدید می گویم.

هر چند عده یی بخواهند به عینک سیاه تاریخ کشور ما را که سنگ سنگ آن به خون شهدای راه آزادی رنگین است ببینند نمی توانندایـن تاریخ پر افتخار را مسخ کنند و حقایق را وارونه جلوه دهند.

در جهان امروز تغییرات زیادی به وقوع پیوسته و جهاد مردم افغانستان زمینه ساز تحولات بزرگی در جهان بوده است که منجر به شکست روس ها و دارو دستهء تروریزم گردید. اینها از جمله قضایا و مسایلی اند که قبل از فروپاشی بسیاری ها آن ازبین رفتن ها را باور نمی کردند.

شخصیت های بزرگ سیاسی معاصر جهاد به نام معجزهٔ قرن یاد می کردند- به تعبیر اصطلاحی نه به تعبیر لغوی- جهاد واقعاً معجزهء قرن بود زیرا آغاز تمام تحولات در جهان، یک قطبی شدن جهان وپایان جنگ سرد و آزادی بسیاری از کشورهای جهان و به میان آمدن تغییرات در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان را می توان به عنوان پیامدهای حماسه ها و قربانی های همین شخصیت هایی که در میان ما هستند، برشمرد.

اگر تاریخ در بارهء ما می نویسد مبارزات ما را مبارزات بین المللی به خاطر آزادی باید بنویسد و این واقعیت است.

زیرا این ها روزهایی مبارزه می کردند که کم سن و نو باوه بودند و هنوز جوان نبودند، اینها زمانی چشم کشودند که در مقابل دشمن قرار داشتند، روح ذبیح الله شاد باد، جبههء اینها اساس عمدهء جهاد کشور را گذاشته است، مبالغه نکرده ام اگر بگویم پیش از فعال شدن مسعود برادر ما قهرمان بزرگ کشور ما- در جبههء پنجشیر، جبههء اینها فعال گردیده و کارنامه های درخشانی داشتند که روزمره کارنامه ها و ضربات آنان بر دشمن در داخل مزار برای ما مخابره می شد ،جبهه اینها از نظم و سازماندهی خاصی برخوردار بود که به هیچ شکل نمی توان آن را فراموش کرد.

خداوند همهء اینها را نگهدارد، استاد عطا و علم خان و حاجی رحیم و ظاهر وحدت را اینان در جایی مبارزه کردند که می توان گفت: در آتش دیسانت شدند، خدا بیامرزد برادر ما مسعود را که می گفت: استاد عطا در جایی مثل آتش دیسانت شده است باعدهء معدودی در عمق جبهات دشمن، هلیکوپترها ایشان را از میان ده ها زیو واستنگر دشمن در میان کوه های پر برف در محاصرهء دشمن دیسانت کردند. خداوند ایشان را نجات داد و در همانجا با شکم های گرسنه با عده یی جوانان فدایی مقاومت کردند سخت ترین حملات دشمن برضد شان صورت گرفت. من شانزده حملهء دشمن را به یاد دارم که از بزرگترین حملات آنان بر دره‌ء صوف بود، اما هر بار دشمن در این حملات شکست می خورد

هرباری که مسعود شهید، ازحملهء دشمن به اینها اطلاع می داد، اینها برایش دوباره اطمینان می دادند، بارها دشمن حمله کرد و شکست خورد، اینها اسیرانی ازجنگجویان چینی و عربی و از کشور های همسایه پاکستان و نیم قاره گرفتند، قوی ترین قوماندانان دشمن بالای اینها بزرگترین حملات را انجام دادند اما دست لطف الهی با اینها بود.

آفرین به همت مردم درهء صوف و برادر ظاهر وحدت. در آن منطقه چیزعجیب دیگر این بود که برادران تسنن و تشیع همدگر را مانند کودکان شان در آغوش محبت گرفتند، وحدت شیعه و سنی را در حالی که از هر طرف در مضیقه بودند عملی ساختند این در حالی بود که مشکل اقتصادی بزرگی به علت وجود افغانی های (دی) برای اینها پیدا شده بود، اما با وجود همهء این مشکلات بزرگترین حماسه های دوران مقاومت را به وجود آوردند.

تاسف می کنم به حال کسانی که ایشان را تفنگ سالار وجنگ سالار می گویند به جای این که دست شان ها را ببوسند و به خط زرین افتخارات شان را بنویسند، ولی هنوز هم کسانی هستند که با گفتن تفنگ سالار و جنگ سالار و حرف های عجیبی می خواهند وانمود سازند که گویا دور اینها تمام شده است .

این ها می توانستند دکتری بگیرند، همهء شان جوانان با استعداد، از خانواده های سرمایه دار و سرشناس و متدین بودند، همه شان امکانات کافی برای تحصیل و زندگی در کشورهای غربی داشتند، قوماندان صاحب عطا و حاجی صاحب رحیم که خانواده های شان در جرمنی و دبی به تجارت اشتغال دارند، مادر پیرش خواهش می کند که پسرم بارها در راه خدا زخمی شدی دیگر بس است، چند روزی با من زندگی آرام داشته باش، حتی مادرش می گوید اگر این بار به جبهه رفتی ترا عاق می نمایم.

اما حاجی رحیم به مادرش می گوید مادرجان یک بار دیگر اجازه بده. بعد به داخل می آید در مشکل ترین شرایط به خاطر نجات وطن مبارزه می کند.

در تاریخ ،مردمان مانند اینها کمتر سراغ می شوند.

به هر حال هر چند کسانی به کلی حقیقت ناشناس باشند، اما ملت ما حقیقت ناشناس نیست، ملت ما چهره های صادق و مخلص را می شناسد، هر چند بر ضد اینها فعالیت صورت گیرد، انتخاب ملت همین قهرمانان شان است. هر قدر فشار بیشتر شود باز هم نزد ملت اینها عناصر محبوب هستند.

مجاهدین ما به خاطر حفظ فرهنگ و تمدن و دانش جهاد کردند- در تاریخ کمتر مبارزات ملی سراغ می شود که در سخت ترین شرایط از کمترین فرصت عمده ترین استفاده در راه توجه به فرهنگ و تعلیم و تربیه را نموده باشند.

در روزهای جهاد به خاطر آزادی کشور عده یی فرار کردند. همین مجاهدین همان طوری که در آن روزها به خاطر آزادی کشور جهاد کردند، در کنار آن در تعلیم و تربیهء فرزندان شهدا کوتاهی نکردند.

همین استاد عطا در حالی که مجاهدینش گرسنه بودند و خودش قرضدار، مبلغ ۵۰-۶۰ هزار دلار را به خاطر فعال شدن مکاتب و پوهنتون کمک کرد.

رسانه های غربی در مسایل حقوق زن هیاهویی به راه انداخته اند اما من یقین دارم خواهران مبارز مورد حمایت همین فرماندهان بوده اند.

کسانی را داریم مربوط جبههء جهاد و مقاومت که با مصرف سرمایهء خود چه که حتی به میلیون ها دلار قرضه گرفته اند و برای مجاهدین سلاح تهیه کرده اند، ودر کنار این فداکاری با جان های شیرین خود نیز از کشور دفاع کرده اند.

به این اساس تاریخ کشور این فداکاری ها را فراموش نمی کند.

دانشمندان و متخصصینی که واقعاً متخصص هستند نمی گذارند میان جهاد واصل تخصص و دانش فاصله به میان آید، دست به دست هم می دهند و کشور را آباد می نمایند.

تا سالیان درازی افغانستان به این فرزندان مخلص خود ضرورت دارد. هنوز دور اینها پایان نیافته، دوستان در داخل و خارج شهکار ها و اخلاص اینها را به یاد دارند.

هر ملت از خود افتخاراتی دارد، تاریخ و هویت ملی و دینی خود را دارد. تا زمانی که با رعایت ارزش های ملی و فرهنگ مردم قدم برداشته نشود، هیچ حرکتی در جهت توسعه و انکشاف نتیجه نمی دهد.

در طبیعت تیز در رابطهء پدیده جدید همینطور است، مثلاً هرگاه یک شی جدید در جسم انسان زرع شود که با جسم خصوصیات مشترک نداشته باشد، جسم آن را دفع می کند.

این تنها در علاج و تداوی نیست؛ در اقتصاد و در اجتماع پدیدهء نو باید ارتباط و پیوندی با اوضاع اجتماعی داشته باشد، ورنه نتیجه نمی دهد.

هر تنوع و نو آوری باید درامتداد روال قبلی پایه گذاری شود و با آن یک نوع پیوند داشته باشد. به ین اساس ما که می خواهیم گامی برداریم باید با شرایط فرهنگی و ذهنی و ... در تطابق باشد وبا مطالعهء اوضاع قدم برداشته شود.

شرایط ذهنی و فرهنگی و دینی وملی، با تمدن در تعارض نیست.

بعضی کسان با گفتن حرفهایی برضد مجاهدین برنامه عمیق دارند، می خواهند افراد و فرهنگ جای خالی کنند.

از نظر فرهنگ اسلامی که در جاهایی حتی عادات جاهلی را رعایت می کند به گونهء مثال:

خیارکم فی الجاهلیه، خیارکم فی الاسلام

آنانی که در جاهلیت وزنه یی داشته اند، در اسلام آن را از دست نمی دهند، اسلام همه چیز را از بین نمی برد، اساس تاریخ بر مبنای تاریخ گذاشته می شود، همه چیز از بین برده نمی شود.

زمانی پیامبر (ص) وعایشه (رض) به دور کعبه طواف می نمودند دیوار ابراهیم شکست برداشته بود و کعبه جور بود، عایشه (رض) به پیامبر (ص) پیشنهاد کرد که یک دیوار کعبه را برکند و از پشت بگذارتند، جایی که حالا از سنگ مرمر اعمار شده است .

پیامبر (ص) فرمودند: نخیر-قومم تازه مسلمان شده است اگر دیوار کعبه را خراب نمایم هرچند که پیامبر هم هستم، مردم می گویند: کعبه را خراب کرد. و به جای یک کار در اصلاح، یک مشکل به میان می آید.

تغییرات باید اساسی باشند، اما با رعایت اوضاع و شرایط، اگر کسی واقعاً در فکر بازسازی باشد، ناممکن است که شرایط را نادیده گرفته و همه چیز را زیر یک فرهنگ نو بخواهد در بیاورد.

من یقین دارم فردا از امروز رنگ خواهد گرفت چنانچه امروز از دیروز رنگ گرفته است، ما درطول تاریخ ارزشهایی را پذیرفته ایم که نمی توانیم آن ها را کنار بگذاریم.

مثلاً افتخارات دوران جهاد که در دل مردم ما جا دارد نمی شود به سادگی آن را از بین برد. با آغاز یک کار نمی شود گذشتهء پر افتخار یک ملت را زیر سوال برد. اگر شهر کابل ویران شد واقعاً اشتباهاتی بوده و دست هایی به خاطر بد نام ساختن مجاهدین عملاً در پشت سر ویرانی ها بوده است، کشور هایی بابرنامه های منظمی در ویرانی کشور ما دست داشتند.

زمانی که در کابل مجاهدین دولت خود را اعلام داشتند از لحاظ انسانی برنامه هایی را روی دست گرفتند که در اکثر کشور ها بی سابقه بود. در فرانسه بعد از انقلاب فرهنگی صدها هزار سربریده شد. اما در افغانستان آنانی که با توپ و تانک جوی های خون را چند روز پیش جاری ساخته بودند، عفو شدند، کسی به آنها چیزی نگفت و برای همه اجازهء آغاز زندگی داده شد.

در افغانستان آغاز جنگ این طور نبود که خود افغان ها اقوام یا ملیت ها آن را آغاز کرده باشند، دست هایی عملاً در پشت این جنگ ها بود، ما بارها شنیده ایم که به زبان های خارجی کوردینه می دادند، که آنها را در چهار آسیاب جا داده بود، درحالی که آنها افغان نبودند، آنها بر اساس یک پلان و برنامه به خاطر بد نامی جهاد و مجاهدین در آن جا آورده شده بودند.

روزی رسیدنی است که حقایق روشن شود و مردم بدانند در پشت این مخفی کاری ها چه گپ هایی بوده وچه قضایایی، چه برنامه ریزی هایی و چه پول هایی این جنگ را به راه انداخت. روزی که این حقایق روشن شود، همه خواهند دانست که مجاهدین واقعاً مظلوم بودند و دولت شان مظلوم بود که در مقابل یک توطئهء بزرگ قرار گرفته بودند.

مجاهدین نیز اشتباهاتی داشتند، آنها را نیز باید اعتراف بکنند. اما اشتباهات مجاهدین در مقابل توطئه ها به حساب نمی آید. چه اشتباه مجاهدین می بود یا نمی بود توطئه های سیاه و ننگین باعث ایجاد مشکلات به مردم ما می شد.

دراخیر یک بار دیگر از آمدن برادرانی که نقش اینها در دیروز، امروز و فردای افغانستان نقش سازنده و چشمگیر است، تشکر می کنم.

و کسانی که خواهان بازسازی و رشد و توسعه در کشورند، باید بدانند که بدون حضور این برادران هرنوع آرزوی سازندگی محال و خیال است.

در هر حرکت به خاطر بازسازی کشور همه ملت افغانستان سهیم دانسته شوند.

به یک موضوع می خواهم اشاره کنم که جبهات جهاد مظهر وحدت کشور و تقریب مذاهب بوده است چنانچه در دوران جهاد در صفوف مجاهدین تاجک، پشتون و ازبک و هزاره و شیعه و سنی در کنار هم قرار داشتند.

در آنجا جبههء اتحاد شمال نبود، اتحاد مردم افغانستان بود، از قندهار و جلال آباد و پکتیا و سراسر کشور مردمان صادقی در آنجا وجود داشتند.

خداوند این قهرمانان ما را در پناه خود نگهداشته باشد و در صلح و امنیت نیز از استعداد اینها استفاده صورت گیرد.

آب

پرتو نادری

صخره ها در بستر دریا ها
لبان سنگی خودرا
در عمق ریگ های تشنه گی فرو برده اند
ودر ختان حادثه
درسنگلاخ عدالت شلاق
گل داده اند

و شبانان تفنگدار
بره گان رم کرده را با شلیک گلوله از پای در می آورند
وزندگی مترسک متروک
مرغان مهاجر باران را
از آسمان هستی مارم داده است
و درهیچ مسجد شهر
دستی که بر افراشته ایم
راهی به سرزمین خدا نمی برد
☆
صخره ها در بستر دریا ها
لبان سنگی خودرا
در عمق ریگ های تشنه گی فروبرده اند
وبرادران من
درشبانه روز
جای پنج وقت نماز
با ملخ صحرایی
وگیاهان و حشی
به جنگ گرسنه گی کودکان خود می روند

برادران من نمی دانم
این گونه ایوب وار کوه شکیبایی خودرا
برای کدام لحظه مکاشفه بر دوش می کشند
☆
برادران من آیا میدانند
که در فصل عدالت شلاق
زندگی همیشه گی سترون شده است
ودریا ها شرمناکی رویش را
در اعماق کور زمین
جاری کرده اند
و پرنده گان مرگ
روی تبنگ فروشنده گان دوره گرد
تخم گذاشته اند

برادران من
پس از هزارسال الفبای اسلام تازه یی را
در مدرسه یی زمزمه می کنند
که شلاق یگانه منطق آن است
و الف
مد
ب
آب
برای کودکان مفهوم گم شده بیست

اکتوبر ۲۰۰۰
شهر پشاور

لشکر سرما

قاضی عبدالصبور "غفوری"

لشکر سرما رسید حلقه بدر می زند — مفلس بی سیم وزر دست به سر می زند
قاقم دی پرزنان بر قلل کوهسار — جامهء سیمین به تن نقش حجر می زند
برزگر قحط کش فال نکویی گرفت — سال دگر را کنون چرت ثمر می زند
هیمهء سرمای ما سوخت بمیزان دریغ — بانوی محنت کشم حیف شرر می زند
گفتمش ای نازنین حسرت بیجا مخور — بیلک پارینه ام بیخ شجر می زند
ارهء نوتیز را آرو بدستم بده — شاخهء دیرینه را زخم تبر می زند
تیشه کدالم بیار با جبل نوک تیز — منزل همسایه را زیر وزبر می زند
او که به ملک دگر رخت اقامت کشید — پادشهی میکند شیروشکر می زند
هر که گریزد زملک ثروت او چور به — وانکه رود ملک غیر هرزه چکر می زند
بانوی لرزان گفت ترس خدا پیش گیر — سرقت مال کسان زنگ خطر می زند
هم خطر دنیوی، هم خطر اخروی — مرد مسلمان همی قول حذر می زند
فصل شتاء میرود روی سیاه زغال — ماندو این امثله اهل گذر می زند
بیل و کدالت بگیربازوی همت ببند — وانکه تهی دست بود عزم سفر می زند
منطق زن چیره شد مات شدم نزد او — بیش بگویم به وی سنگ ومدر می زند

چامه نویسی چوکرد حال "غفوری" خراب
گرزنوشتن بماند بذر وبقر می زند

پنجشنبه ۲۸ قوس ۱۳۸۱،
کابل، خوشحال مینه

جایگاه مسعود در ادبیات فارسی

پوهاند دکتر عبدالقیوم قویم

مسعود نام بزرگ است، به بزرگی شکوه شهامت و شجاعت، او برای کشور رنج دیدهء ما عطیهء خداوندی بود و دلیر مردی بود که مام میهن باداشتن این فرزند می بالد. زند گی او پر از داستان ها بود، داستان جهاد با دژخیمان قرن و رسیدن به فرازین پله های پیروزی، داستان مقاومت در برابر شقاوتی که با تعصب و تنگ نظری مردم را به کام تباهی فرو می برد، داستان شهادت مردانه و افتخار آمیز که برای او علو درجات بار آورد. اگر او امروز در میان ما نیست ، کار نامه های دلیری و شهامت وی، عزم متین و ارادهء خلل ناپذیرش، احساس وطن دوستی اش، درسهایی است که رهنمای هرهموطن ما می باشد.

مسعود تنها فرزند کوهپایه های هندوکش نبود و تنها خون دوستی پنجشیر در رگهای وی جریان نداشت، بلکه به گوشه گوشهء وطن غم کشیدهء ما عشق می ورزید. یاران و همسنگرانش نه از یک دیه و شهر، بلکه از هر شهر و ولایت این خطهء مرد آفرین بودند. بنابران مسعود مقام و مشرب ویژهء خود را داشت، مشربی که رهروانش به آن ارج می گذاشتند. به همین سبب است که او امروز در دل پیر و جوان کشور ما جای دارد و خون غیرت و شجاعت وی در رگ های همه یاران و همرزمانش در جریان است. خاطرهء نبود او فروزندهء لهیب سوزان دردهای ما و یاد او ورد زبان همهء ماست. هرگاهی که نقش قدم های مردانهء وی را در دشتهای هیجا دیده و صحاری سوخته و تشنهء وطن به تصور می آوریم، می بینیم که با چه غروری و چگونه ثباتی برای انجام دادن یک وجیبهء بزرگ اسلامی و ملی با استواری تمام گام بر می دارد و هرگاهی که آواز پر طنین او را در خم و پیچ دره های شاداب و بر فراز قله های شامخ به تصور می آوریم، می دانیم که یاران خویش را برای انجام دادن چه کارهای مهم فرا می خواند و می خواهد پیروزی را قدم به قدم فرا چنگ آورد و افتخار دیگر را بر افتخارات پیشین بیفزاید. افتخاری که با نجات یافتن کشورش پیوند می دارد.

مسعود یک مضمون پایان ناپذیر است. او نه تنها در تبصره های سیاستمداران و دولتمردان و نوشته های تاریخ نگاران امروز، بلکه در ادبیات غنامند فارسی–دری نیز جایگاه والایی دارد. بدون مبالغه، در سراسر جهان هیچ قهرمانی را نمی توان سراغ کرد که با این گستردگی قلمرو شعر و ادب را تسخیر کرده باشد. کارنامه های او در دوران جهاد مقدس دشمن بر انداز و در زمان مقاومت دلیرانه، زینت بخش اشعار سخنوران ما بوده است. استاد خلیل الله خلیلی که هنوز بر تارک شعر امروز ما چون ستارهء درخشان پرتو می افگند، ضمن قصیده یی غرا، رویداد های غم انگیز دوران جهاد، دلاوری های مجاهدین و افتخاراتی را که مسعود قهرمان نصیب شده بود، بر می شمارد، با کار برد هر واژه و با پرداخت تشبیهات و استعارات دلنشین، تصویر هایی از رویدادها می کشد و می گوید:

هزار قافله آه سحر کند شبگیر
که ناله ام برساند به درهء پنجشیر
در آن دیار که بارد ز آسمانش خون
در آن دیار که روید زخاک آن شمشیر
در آن دیار که خورشید هر سحر ساید
جبین به خاک شهیدان قهرمان دلیر
ستاره شب به دل آسمان شود لرزان
چو بشنود ز دل کوه نعرهء تکبیر...
یگانه پیشرو کارزار باطل وحق
که دست وپای ستم را کشیده در زنجیر
سپاه ملت افغان سپاه رحمان است
سپاه رحمان بر فوج کفر گردد چیر
سپاه ملت افغان سپاه آزادییست
که پنجه کرده فرو در گلوی دیو شریر
سپاه برهنه پایی که در سراسر عمر
نموده تر به سفالینه جام نان شعیر
به جای بالش سر برنهاده برسر سنگ
به جای بستر پهلو نهاده روی حصیر
کنون نگر که زده صف میان آتش وخون
به جنگ دشمن اهریمن جهان تسخیر
شنو زسنگر آزاده گان که می آید
صدای نالهء دشمن گداز مادر پیر
که باد بوسهء گرمم حرامت ای فرزند
اگر به خون نکنی لاله چون لب شمشیر
ببین بر آن که خمیده قدش کمان آسا
یگانه سرو روانش به خون فتاده چو تیر
به خنده بوسه زند بر جبینش وگوید
که ای خدای تو این ارمغان من بپذیر
چه دختران که به خون سرخ کرده زلف سیاه
به جای آن که بیالایدش به مشک و عبیر
چه کودکان که سپردند تن به پنجهء مرگ
ولی هنوز لب خود نشسته اند به شیر
چه وحشت است که کردند آن سیه کاران
به زهر های جگر سوز آب ما تخمیر
خدای داد بشر را یکی خجسته گهر
که کرده اند به آزادیش ملل تعبیر
لوای فخر بلند است از دو احمد شاه
سپاه دار جوان و جهانستان کبیر

آری همان سان که استاد خلیلی تصویر کرده است، در آن هنگام که کشور ما در پنجهء تهاجم قشون سرخ اسیر بود، دلیر مردان مسلمان وطن، مبارزان راه آزادی در دل دره ها و بر فراز کوه ها، در سنگر های دفاع از میهن در کار جهاد ایستاده بودند و نعرهء تکبیر آنان در کوه ها و دره ها می پیچید و لوای افتخار را سپاه دار جوان مسعود قهرمان بر افراشته بود.

تصویری را که استاد خلیلی از وضع رقتبار مردم ما که در آن وقت مصدوم حادثات گوناگون بودند، کشیده واقعاً درد انگیز است. دیاری که آبش را به زهر عجین ساخته بودند و خاکش به اشک خمیر گشته بود. ولی سپاه ملت افغان که مسلمانان پاک دل وپاسداران آزادی بودند، پنجه های خویش را در گلوی دیو شریر مهاجم فرو می بردند، این سپاه برهنه پا در سراسر عمر خویش نان جوین را در کاسهء سفالین خود تر می کردند و غذای شان همین بود، آنها به جای بالش سر بر سنگ می نهادند و به جای بستر بر بوریا می خوابیدند. در دوران جهاد هزاران تن جانهای خود را از دست دادند و صدای نالهء دشمن گداز مادر پیر در فضا طنین می انداخت و خطاب به فرزندش می گفت: اگر به خون دشمن لب شمشیرت را چون لاله سرخ نسازی، بوسهء گرم من ترا حرام باشد. آن مادر یا پدر پیر که قامتش چون کمان خم گشته بود و فرزند جوان را غرق در خون می دید، بر جبین او بوسه می زد و به خنده می گفت: خداوندا تو این ارمغان مرا بپذیر. در آن هنگام مویهای دختران به جای آن که به مشک و عبیر آلوده شود، به خون سرخ می شد. کودکانی که هنوز لب به شیر مادر نشسته بودند، تن به پنجهء مرگ می سپردند.

آر ی! این وحشتی بود که آن سیاه کاران به دست اجرا می سپردند. آنها آبها را به زهر جگر سوز می آلودند. خداوند بشر را یک گوهر خجسته نصیب کرده که ملل عالم نام آن را آزادی گذاشته اند و کسی آن را صاحب می شود که با افتخار زندگی کند ولوای افتخار میهن ما در قبال به دست آوردن آزادی در هنگام جهاد مقدس کشور، توسط احمد شاه مسعود قهرمان ویاران و همرزمانش بر افراشته شد.

ملاحظه می کنم که استاد خلیلی چگونه تصویری از احمد شاه مسعود و همسنگران او می کشد و این مضمون والا را چسان زینت بخش چکامهء رنگین خویش می سازد.

ادامه دارد

دقضایی نظام رغاونه

عزیز الرحمن ممنون

څومره چې دتاریخ په بهیر کې قضا څېړل شوې ده ټول په دې باور دي چې دادنده هم درنه او هم سپېڅلې ده. په روم، انګلوساکسون او اسلامي شریعت کې همدا راز په لرغونو کې هم هرچاته دادنده نه سپارل کیده، غوره اونیک کسان به دقضاپه کرسي کښیناستل، هغه میړونو به چې په خپل چاپیر یال کې په امانت او عدالت شهرت درلود. په دې مقدسې او درنې دندې وګمارل کیدل. دیوې ټولنې دټولنیزو اړیکو په ښیګڼه او حقوقي غوښتنوکې قضا ټاکونکې دنده لري.

دقانون تطبیق او دعدالت تامین دقاضي دنده ده. په دې پوهیږو او په عمل کې وینو چې دقانون څخه انحراف په بشري ژوند باندې لوېنه اوملنده ده. هغه ټولنه بد مرغه ده چې قضائي څواك په کې غښتلی نه وي، زموږ ټولنه اسلامي ټولنه ده له پېړیو پېړیو څخه را په دې خوا اسلامي شریعت واکمن او قضا دهمدې قانون په رڼاکې خپل حکمونه صادروي او زموږ په حقوقي ژوندانه، کړو وړو کې تر ې سترګې څوك نه شي پټولای.

قضا له یوې خوا په خپلو شرعي او قانوني حکمونو دټولنې د وګړو په را کړه ورکړه او همدا راز دهغوي دسر اومال، پت او ناموس په ساتلو کې ښکاره اغیزه لري. هیچاته قضا اجازه نه ورکوي چې دچا په حقوقو تیري وکړي فردي حقوق او ټولنیز حقوق. فردي دندې او دولتي دندې هریو دنیمګړتیا او تخلف په صورت کې دقضاله خوا دغورلاندې نیول کیږي، هرکړه چې دحق پر خلاف وي او قانوني نه وي جرم بلل کیږي.

اسلامي شریعت داتانیت او تیري مخه نیسي او ټولنیزو ښیګڼوته دسلامي امت پام اړوي د انساني حقوقو صیانت داسلامي شریعت تغیرنه منونکي اصل دي، داسلام په صدر او له هغه وروسته تر تابعینو او تبع تابعینو او تر هغه پورې چې ددې پاکې چینې له زلالو اوبو څخه انسانیت ګټه اخستې هیڅکله د ذلت په تنده او ښتې نه دي، رشوت په اسلامي شریعت کې حرام دي. اخستونکي، ورکونکي او هغه څوك چې په کې واسطه هم شي دشریعت په حکم ملعون بلل شوي دي. دبیوسود حقوقو ساتنه او دهغوي ملاتړ داسلامي شریعت دځلاندو اهدافو څخه دي. زموږ هیواد یو اسلامي هیواد دی ددې هیواد ثقافت اسلامي دی؛ نو څکه تردې شیبو پورې هیچا ونه کړای شو چې ددوې فرهنګ ته تغییر ورکړي. ربښتیا خبره هم ده چې فرهنګي بدلون ساده خبره نه ده.

دپیړیو په اوږدوکې یو ملت یو فرهنګي هویت تر لاسه کوي. اسلامي فرهنګ زموږ دملت په رګونو پلواوویته کې ژوره اغیزه لري او دهغه په حکم عمل کوي، کوم وخت چې دهغه په خلاف حرکت پیل شي ضرور دمقاومت سره مخامخ کیږي او ټولنه ټینګار او ثبات له لاسه ورکوي. هیڅ قانون په هیڅ یوه ټولنه کې چې دهغې ټولنې دتاریخ او فرهنګ پربنا نه وي عملي اړخ نه پیداکوي. دبن دتوافقاتو او دموقتي او انتقالي دورې نظامونو کې دبیا رغونې اصطلاح ددې وخت یو په زړه پورې عنوان دی. موږ لکه چې په سړکونو، فابریکو او نورو مدني چاروکې بیا رغونه ستایو په قضایي برخه کې هم په پام کې لرو دقضایي کادرونو سالمه روزنه چې قضایي کادر هم دپوهې او سیرت او هم دتقوې خاوندوي او دهغو عناصرو څخه چې یا تصادفي قضاته راغلي او یا دهغوي په تقوي کې کمې وي دقضا پاکه لمنه پاکه شي. موږ زړه سواند - عادل قاضي ته اړتیالرو چې په بشپړ امانت او ریاضت دغه دنده سرته ورسوي.

ددولت د زعیمانو خبري او دنړې هڅې ټولې په همدې ټکي تاکید کوي چې قضا دې سرله نوې جوړه شي او بیا رغونې ته اړتیا لري. هیڅوك او هیڅ حقوق پوه له دې خبرې سترګې نه شي پټولای چې دهرې ټولنې قوانین او حقوق دهمغې ټولنې دشرایطو پربنسټ منځ ته راځي، افغانستان هم داسې قضاته اړتیا ویني چې دخلکو عقاید او دودونه او تاریخي هویت په کې خپله څېره وښي.

موږ دخپلې ټولنې دحقوقي اړتیاوو په څېړلوکې باید واقع بین واوسو، له یوې خوا خپل ثقافت او اړتیا وي او ټولنیزې اړیکې او له بلې خوا نړیوالې اړیکې هم له پامه ونه غورځوو. یولړ قوانین لکه هوایي چلند، دسوداګرې قوانین، ترافیکي قوانین، دمخدره موادوپرضد مبارزې قوانین، دپاسپورت او ګمرك قوانین، دبانک په اړوندقوانین او دبشر دحقوقو داعلامې رعایت او همداراز دتروریزم سره مبارزه او داسې نور چې زموږ دټولنې او نړیوالو حقوقي اړیکو له مخې دارزښت وړدي. په قضایي نظام کې باید ځانګړې ځای ولري. قضا کولای شي چې دخپلو قضایي فعالیتونو په مرسته دهر راز قانوني تخلف مخه ونیسي. نړې هم دې موضوع ته خاصه پاملرنه لري. په دې وروستیو کې چې دافغانستان دقضایي نظام دبیارغونې په هکله په روم کې نړیوال کنفرانس جوړشوي و او په هغه کې ددولت مشر حامد کرزي او دقضا مشر تابه هم ګډون درلود دقضایي سیستم دبیا رغونې په اړه یو لړپریکړې وشوې، زموږ هیله داده چې دقضایي کادرونو روزنه او تصفیه یوه مهمه موضوع ده باید داسې دخیرت او تقوې خاوندانو ته دادنده وسپارله شي چې دخصوصي عامه حقوق دپښولاندې نه شي او هغه وشي چې اسلامي او دموکراتیك حقوق خوندي وي. دقضا سالم توب او عدالت ته درسیدلو دلارو چارو لټول یوه لویه وجیبه ده.

هغه وخت قاضي ښه قضاوت کولای شي چې اجرایې څواکونه ورسره صادقانه مرسته وکړي. دزور او انانیت تغ تر تول وي، جنائي پولیس، څارنوالي او مدافع وکیلان دمحکمې په ګډون په یوه لیکه کې چې دحق پلوي او دقانون واکمنې له پاره لاسونه او زړونه یو کړي. داسې قضا به په هیواد کې د امنیت او عدالت بنسټ ټینګ کړي او دخلکو دعدالت غوښتنو له پاره به مثبت ځواب وي. داسلام په صدر کې ډیر خلي دسالمې قضا او عدالت په نتیجه کې چې دمسلمانانو او دنورواد یانو له پیروانو سره شوي داسلامي عدالت او قضا له برکته دنورو ادیانو پیروان چې په اسلامي قضا کې واقعي عدالت لیدلی په اسلام مشرف شوي دي.

اسلامي شریعت دانساني فطرت سره په تطابق کې دی او همدا راز ددې له پاره چې نور قوانین زاړه او اسلامي شریعت ترنوروځوان او اسلامي فقه دهغه په پیاوړ توب کې ښکاره شاخص دي، څکه اسلام په اد له اربعه چې قران کریم، نبوي احادیث، اجماع اوقیاس دي خپل قانوني او قضایي بنسټ اینښی دی. په داسې حال کې چې نه په نورو ادیانو او نه په نورو قوانینوکې دابیګڼې شته له دې خبرو څخه دا پایله راوزي چې موږ دقضایي او فقهي غنا څخه برخمن یو یواځې دقضایي او حقوقي فرهنګ په احیا کې مادي نړیوالې مرستې غواړو او بس.

چگونه می توان در مبارزه علیه مواد مخدر موفقیت به دست آورد؟

مهرین

کشت و تولید تریاک در افغانستان طی سالیان متمادی به یک عنعنه و مشغلهٔ بسیاری از دهاقین کشور مبدل گردیده و از سوی دیگر، تا جران، قاچاقبران و دلالان زراندوز و منفعت طلب به منظور به دست آوردن پول بیشتر، به هر وسیلهٔ ممکن متوسل می گردند واهداف شان را در وجود تعدادی از دهقانان و زمین داران پیاده می نمایند.

هرچند مبارزه علیه این پدیدهٔ زشت و منفور در افغانستان از همان آغازین روزهای شیوع آن به نحوی از انحا به پیش برده می شود؛ اما این مبارزه در حدی نبوده که در امر جلوگیری از کشت، تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر اثر گذار باشد و یا لا اقل در شناسایی و خنثی سازی فعالیت شبکه های مخفی و سازمان های تمویل کننده دستگاه های تولید کنندگان این مواد، کاری را از پیش برده باشد که به همین علت کشت تریاک و کوکنار در افغانستان طی دو دهه به ویژه در دورهٔ زمامداری طالبان ابعاد گسترده یی کسب نموده است.

گفته می شود که تولید تریاک طی دو دههٔ اخیر در افغانستان به ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تن تخمین زده شده که این رقم درشت؛ افغانستان را در شمار بزرگترین کشورهای تولید کنندهٔ تریاک قرار داده است.

شبکه های تروریستی مربوط به القاعده در سال های حکومت استبدادی طالبان در زمین های مناطق تحت کنترول شان به کشت تریاک مبادرت می ورزیدند که از این ناحیه، سالانه مبلغ چهل ملیون دالر در بودجهٔ طالبان افزوده می شد؛ زیرا طالبان از نخستین روزهای ظهور شان باهیچ کشور جهان به جز کشورهای پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحدهٔ عربی، هیچگونه روابط دیپلوماتیک برقرار نه نموده و در اواخر حکومت شان، سه کشور حمایت کنندهٔ آنان نیز ظاهراً از به رسمیت شناختن آنان دست کشیدند و طالبان در انزوای کامل سیاسی قرار گرفتند؛ بناً طالبان دهقانان را به کشت تریاک تشویق می نمودند تا برای تحکیم پایه های اقتصاد لرزان شان عایدی به دست آرند.

در پی سقوط طالبان و تامین صلح و امنیت هرچند در بسیاری از مناطق کشور، مبارزه در جهت نابودی کامل این پدیدهٔ زشت ادامه دارد اما چنین به نظر می رسد که علی الرغم تلاش های دولت انتقالی و سازمان ملل متحد در امر جلو گیری و مبارزه با کشت و قاچاق و ترافیک مواد مخدر سطح تولید این بلای خانمانسوز چندین مرتبه بالا رفته و در حال حاضر دولت از جلوگیری کشت و تولید این پدیدهٔ زشت تقریباً عاجز آمده است.

هرچند در حال حاضر، کشورهای بزرگ جهان منجمله امریکا در صدد آن هستند تا از طریق سازمان ملل متحد، دهقانان افغانستان را به کشت بدیل خشخاش ترغیب نمایند که جامعهٔ جهانی ملیارد ها دالر را به همین منظور اختصاص داده است تا با پرداخت پول و تخم های اصلاح شدهٔ بذری دهقانان را به کشت گندم و سایر حبوبات تشویق نمایند؛ اما این تلاش ها نیز علی الرغم امکانات وسیع پولی در هیچ نقطه یی از افغانستان به نتایج قابل لمس منتج نگردیده است.

با توجه به این که تولید تریاک بیشتر در کشورهای عقب مانده همچون افغانستان از سالیان متمادی بدینسو معمول است و از سوی دیگر، قاچاقبران و دلالان این مواد به علت پسمانی ها و نارسایی های اجتماعی و عدم ثبات سیاسی و فقدان قوانین مدنی در چنین کشورها می توانند به زر اندوزی بپردازند؛ بنا در کوتاه مدت نمی شود تا با این پدیدهٔ منفی و ضد بشری مبارزه نمود؛ بلکه سال های زیادی در کار است تا از راه ها و مجاری مختلف ومنابع عظیم اقتصادی در نابودی ویا لا اقل کاهش چشمگیر کشت و تولید آن در کشور به پیروزی های نسبی نایل آمد.

هرچند وزارت عدلیه امریکا در سال روان میلادی، مبلغ هفده ونیم ملیارد دالر را برای منع تولید و قاچاق تریاک و در مجموع مواد مخدر در افغانستان اختصاص داده است تا مسوولین امور چنین مبلغ قابل ملاحظه را صرف مبارزه با این پدیدهٔ زشت و ضد بشری نمایند؛اما واقعیت آن است که جستجوی راه های اساسی و عملکرد های شفاف و قابل لمس در این راستا یکی از موارد بسیار عمده و پر مسوولیتی است که می تواند در صورت پیگیری مبارزات دوامدار علیه کشت و تولید و قاچاق مواد مخدر به نتایج مثبت و در خور توجه منتج گردد.از سویی هم بسیج نیروهای دولتی و روشن ساختن اذهان عامه به ویژه دهقانان و زمین داران از طریق راه اندازی کمپاین وسیع تبلیغاتی، نشر پوستر ها و پلاکارت ها در امر مبارزه علیه مواد مخدر یکی دیگر از عوامل ضروری و مبرمی است که باید در صدر وظایف دولت قرار گیرد و با استفاده از امکانات وسیع پولی که از سوی منابع بزرگ جهان تمویل می گردد با برنامه ریزی های مشخص و معقول، سطح نرکات و فعالیت های علمی و عملی در این راستا ارتقا یابد.

اهمیت حج در اجتماع اسلامی

مولوی عبدالعزیز

"ولله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا" "العمران"

ترجمه: "بر انسان ها حج بیت الله از جانب الله (ج) لازم گردانیده شده برای کسانی که توان مندی و توشه راه تابیت الله را داشته باشند."

حج مثل دیگر مصطلحات شرعی عربی است ودارای معنی لغوی و شرعی می باشد.

معنی لغوی حج: بسیاری اهل لغت معنی لغوی حج را قصد کردن گفته اند وخلیل بن احمد مراهیدی امام مشهور لغت عرب معنی حج را قصد زیاد به طرف جایی بزرگ ومتبرک ذکر نموده است.

معنی اصطلاحی حج: قصد بیت الله شریف همراه با اعمال مخصوص احرام وطواف وسعی بین صفا و مروه ووقوف درعرفه ورمی جمرات . . .

حکم حج

فرضیت حج از جمله بدیهیات دینی است که هیچ کسی از مسلمان ها را در آن خلافی نیست و فرضیت حج با آیه مبارک که در ابتداء آورده شد ثابت گردیده است.

شرایط حج

مسلمانی وبلوغ و عقل و آزادی و تن درستی و داشتن توشه و وسایل سفر و امنیت راه خانهء خدا است.

حج به اتفاق علمای اسلامی در عمر یک بار فرض می شود. در بابت فرضیت حج میان علمای اسلامی اختلاف است. عدهء یی از علماء می گویند: حج بعد از فراهم شدن شرایط آن فی الفور فرض می شود، اما اکثریت علماء را نظر این است که بعد از فراهم شدن شرایط حج فی الفور فرض نمی گردد بلکه در وقت آن وسعت است.

فضیلت حج

از ابو هریره (رض) روایت شده است که گفت: از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که فرمودند: هر که حج کند و گناه و معصیتی را مرتکب نشود، به طرف خانه اش در حالی رجوع می نماید که مثل طفل از مادر زاده شده است یعنی گناهانش بخشوده می شود. (روایت بخاری)

در حدیث دیگری ابوهریره (رض) می گوید: "از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پرسیده شد که کدام عمل بهتر است، فرمودند: ایمان به خدا (ج) و پیغمبر، پس پرسیده شد بعد از آن چه؟ گفت: جهاد در راه خداوند (ج)، گفته شد بعد از آن چه؟ فرمودند: حج نیکو (بخاری).

حجی است که تمام احکام ضروری ولازمی آن مراعات شود، و مطابق احکام شریعت اجراء گردد یا حج نیکو حجی است که حاجی بعد ازاداء فریضهٔ حج دست به اعمال نیک زده و اعمال نا مناسب خود را ترک نماید. (فتح الباری)

حج اگرچه احکام و مسایل زیادی دارد که در کتب فقه عبادات مطرح گردیده است، اما در اینجا به مسایلی توجه می شود که کمتر مورد توجه حجاج و عامه مسلمانان قرار می گیرد و آن همان فلسفه و حکمت حج است.

بعضی از حکمت های حج

مراسم پرشکوه حج-همچون دیگر عبادات در اسلام- دارای برکات و آثار فراوانی در فرد و جامعه اسلامی است که اگر طبق برنامه صحیح انجام پذیرد و از آن بهره برداری درستی در راستای اصلاح و وحدت جامعه اسلامی شود، می تواند هرسال منشأ تحول تازه یی در جوامع اسلامی گردد.

ابعاد مختلف حج را می توان چنین خلاصه نمود

۱-بعد اخلاقی و تربیتی :

بزرگترین فلسفه حج همان بعد عبادتی است که نوعی دگرگونی اخلاقی در انسان ها به وجود می آورد، در مراسم "احرام" به بلند نمودن آواز تلبیه: "لبیک اللهم لبیک"، از همبستر شدن با زنان و استعمال نمودن عطر ها و دیگر خوشبویی ها وپیروی از خواهشات نفسانی منع شده و با پوشیدن چادر احرام در حج، انسان به کلی از تعینات مادی و امتیازات ظاهری و لباس های رنگارنگ و وزیور بیرون می آید.

با تحریم لذایذ وپرداختن به خود سازی که از وظایف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از و روحانیت وصفا فرو می برد، و آنها را که در حال عادی بار سنگین خواهشات نفسانی و امتیازات موهوم و درجه ها و مدالها را بر دوش خود احساس می کنند یک مرتبه سبکبار و آسوده خاطر می گرداند.

و فرمان برداری از خداوند (ج) در طواف کعبه و دویدن -سعی- بین صفا و مروه، و رمی جمرات -که انسان حکمت آن را نمی داند- و دیگر مراسم حج که یکی پس از دیگری انجام می گیرد پیوند های معنوی انسان را لحظه به لحظه با خدایش محکمتر و رابطهء او را نزدیک تر وقوی تر می سازد، و او را از گذشته تاریک و گناه آلودش بریده و به آینده روشن و پر از صفا و نور پیوند می دهد.

مخصوصاً که حج شامل خاطرات ویاد بود هایی می باشد که حجاج مسلمین را به هزاران سال قبل در اعماق تاریخ برده و رنگ آمیزی می نماید.

الف- خاطرات ابراهیم (ع) آن پیامبر الهی در حالی با بیت الله خدا حافظی می نماید که همسر و یگانه فرزند و جگر گوشه خود را در نزد بیت الله امانت گذاشته، و به قلب حزین و غمناک خود متوجه خداوند (ج) گردیده و چنین دعاء می نماید: "ربنا إنی أسکنت من ذریتی".

ب- خاطر هاجره: که در تلاش برای پیدا کردن آب برای خود و طفل شیر خورش در زمین سنگلاخ و سوزان مکه در نزدیک بیت الله و درمیان صفا و مروه در حالت یاس و نومیدی افتان و خیزان به دویدن افتاده، درحالی که تشنگی او را به هلاکت نزدیک ساخته، و جست و خیزش برای یافتن آب به یاس تبدیل گشته، وسعی و کوشش برای نجات طفل-این مادر خسته را- به مرگ و دیوانگی تهدیدش می نماید، و هر بار در میان صفا و مروه بدین گونه - شتاب و دویدن- در حال رفت و برگشت است. اما در مرتبه هفتم که بر می گردد در حالی که تشنگی، خستگی، و نا امیدی او را بیچاره ساخته و میان او و مرگ فاصله چندانی نمانده، ناگهان چشمش به چشمهٔ روبرو می شود که درحال جوش زدن از زیر پای طفل شیر خوارش است. این همان زمزم است. چشمهٔ رحمت در صحرای خشک و نومیدی و سوزان مکه.

ج- یاد ابراهیم (ع) که خواب می بیند که فرزندش را در راه خدا (ج) باید قربانی نماید-یگانه فرزند و لخت جگر که بعد از صدها امتحان و پیری و ضعف نصیبش گردیده و تازه جوان گردیده و امیدی برای پدر است- بی درنگ در راه تطبیق این خواب روان شده، و به شکل مشوره با اسماعیل(ع) آن را در میان می گذارد: "یا بنی إنی أری فی المنام"، "ای فرزند من خواب می بینم که تو را قربانی می کنم پس تو چه نظر داری".

و جوابی که از اسماعیل (ع) دریافت می نماید فرمان برداری از پدر و تحمل و شکیبایی در راه تطبیق حکم خداوند (ج) است: "وقال یاأبت أفعل ما تؤمر"، "پدر جان به آنچه وظیفه داده شده ای عمل کن، ان شاءالله مرا شکیبا و با تحمل خواهی یافت.

اما هنگام که شروع به تحمیل فرمان نموده و لحظات چند تا مرگ اسماعیل باقی نمانده، نا گهان رحمت خداوند (ج) به صورت قبول هدیه آشکار می شود: "ونادیناه أن یا ابراهیم قد صدقت الرویا"، "ابراهیم را صدا نمودیم که یقیناً راستی خواب خود را ثابت نمودی".

د- خاطره های ابراهیم و اسماعیل(ع) هنگامی که دیوار کعبه را به فروتنی و اطاعت بلند می نمودند چنین دعا نمودند: "ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم"، "خداوندا عملکرد ما را به لطف و مرحمت خود قبول فرما یقیناً تو شنوا و دانا یی".

و این خاطره ها همچنان گردش نموده و یکی پی دیگری فرامی رسد تا این که کار نامه عبدالمطلب آشکار می شود که نذر می گرداند اگر پروردگار (ج) برایش ده فرزند عطا نماید فرزند دهم خود را جهت رضای خداوند قربانی خواهد نمود و این فرزند دهم عبدالله است. در حالی که عبدالمطلب مصمم و حریص به وفا به عهد خوداست، قومش به وی پیشنهاد می نمایند که باید فدیه داده و از کشتن فرزند دست بکشد به واسطه اصرار قومش عبدالمطلب آماده می گردد که فدیه دهد و از کشتن فرزند در وقت که خداوند (ج) راضی شود دست بکشد، و او بکاهنان کعبه روی می آورد و قرعه اندازی به نام عبدالله و فدیه شروع می شود اما هر بار قرعه به نام عبدالله بیرون شده و عبدالمطلب فدیه را زیاد می نماید تا که فدیه به صد رأس شتر می رسد و فدیه قبول می شود. پس صد رأس اشتر را ذبح کرده و عبدالله نجات می یابد. برای این که نطفهء پاکترین و مکرمترین مخلوقات خداوند (ج) را در رحم آمینه امانت گذارد و خود وفات نماید. گویا خداوند (ج) عبدالله را از کشتن تنها به جهت همین مرام بزرگ و بلند نجات داده بود.

بعد از آن یاد بودها نزدیک شده میاید، وخاطره های محمد (ص) شروع می شود که در هنگام کودکی و نو جوانی در بالای این خاک زندگی نموده و کارنامه های بزرگش را شروع می نماید. حجر الاسود را به هردو دست مبارکش بالا می کند و در جایش می گذارد تا فتنه یی را که نزدیک بود میان قبایل مختلف شعله ور شود، خاموش نماید، دعوتش را شروع می نماید، نماز می گذارد و طواف می کند و اعتکاف می نشیند و موعظه می کند و هر قدم گرامی آن بزرگوار زنده و روشن در خاطره ها مرور نموده و در ژرفای دل و خمیر آدمی الگوهای تقوی و دعوت و جهاد و صبروشکیبایی و رهبری .... به جای می گذارد، و حجاج غرق این خاطره ها ویاد بودها بوده همه این الگوها را احساس می نمایند و قدم های لشکر صحابه کرام (رض) وخاطرات زنده شان که در اطراف کعبه دور میزدن فکر حجاج را به خود معطوف ساخته نزدیک است گوش ها صدای این قدم های مبارک را شنیده و چشم ها آن را درک نمایند. این خاطره های دور و نزدیک انسان مسلمان و حاجی بیت الله را در حالی که خود را در جوار خداوخانه او احساس می نماید به تقوی و پرهیزگاری واداشته، همت او را بلند روحش را پاک نموده و از لوث به گناه و معصیت بیزارش کرده و به انابت روی می اورد، و زمینه یک انقلاب اخلاقی را دردل ها آماده می سازد، و به گونه توصیف ناشدنی زند گانی انسان را بر می گرداند و صفحه نوینی در حیات او آغاز می کند.

از اینجا است که رسول الله (ص) در بابت حج می فرمایند: "من حج فلم یرفث رجع کیوم ولدته أمه"، "هرکه حج نمود و گناه و معصیت را مرتکب نشد از گناه چنان پاک می شود که گویا نو از مادر تولد یافته.

آری! حج برای مسلمان تولد دوم است، تولد که آغاز گر یک زندگی نوین انسانی است.

حاجت به یاد آوری نیست که این آثار و برکات برای حجاج است که روح حج را درک نموده و از ته دل و اخلاص بدان روی آورده، نه برای کسانی که با اعمال ظاهری حج اکتفا نموده و یا حج را ذریعهٔ سیاحت و تظاهر وریا قرار دهد که البته سهم ایشان همان است که به آن دست یافتند وبس.

ادامه دارد

اعتماد سازی . . .

۴-وبالاخره احساس نگرانی دیگر متعلق به مهاجرین افغان مقیم خارج از کشور است که معتقدند در شرایط کنونی امنیت در تمامی ابعاد آن از جمله امنیت جانی، شغلی، اقتصادی و روحی به اندازه ای نیست که بتواند انگیزه ساز بازگشت بدون تشویش آنان به کشور گردد واقعیتی که به روشنی در کمیت عودت کنندگان به کشور و خروج دوباره برخی از آنها از افغانستان متبلور شده است.

با توجه به نگرانی های ذکر شده که خود موجب و موجد نوعی بی اعتمادی نسبت به اوضاع شده است، دولت انتقالی اسلامی افغانستان، رسالت و وظیفه خطیری را پیش رو دارد، رسالتی که محور تمرکز آن باید بر روی رفع نگرانی ها و تشویش های مختلف و متنوعی باشد که از درون و بیرون متوجه اوضاع کنونی افغانستان است.

رسالتی که باید بر اساس یک استراتژی دقیق و همه جانبه انجام گیرد و این استراتژی چیزی نخواهد بود جز "استراتژی اعتماد سازی" که باید در دو سطح داخلی و خارجی و با جدیت و اراده قاطع پی گیری گردد و فقط با پیروی از چنین استراتژی خواهد بود که بخش عظیمی از ظرفیتها و قابلیتهای داخلی و خارجی که هم اکنون در قالب چهار گروه فوق جای می گیرند به کمک تقویت و تسریع روند بازسازی وایجاد ثبات و امنیت در افغانستان خواهند آمد.

البته واضح و مبرهن است که تدوین چنین استراتژی مستلزم بررسی و ارزیابی دقیق و همه جانبه خواهد بود که در نوشتار حاضر مجال پرداختن به آن نیست.

اما در پایان باید به دو ملاحظه جدی در این مورد اشاره نمود:

اول این که چهار نوع نگرانی و تشویش ذکر شده صرف به صورت کلی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و در قالب استراتژی فوق باید به صورت دقیق تر و علمی تر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و میزان معقولیت آنها به صورت روشنتر تبیین گردد.

ثانیاً فقط نگرانی ها و تشویش های ذکر شده می توانند در کلیت خود منطقی و معقول و بنا بر این مورد توجه قرار گیرند و فراتر از آن، تشویش و نگرانی کسانی که ماهیت ومشروعیت نظام، ساختار و اوضاع کنونی که در بستر یک فرصت طلایی ایجاد شده را زیر سوال می برند، نمی تواند در قالب استراتژی مذکور مورد توجه قرار گیرد.

خط هوایی میان...

و اروپا رفت و آمد می کنند.

جمهوری آذربایجان پس از ایران و پاکستان سومین کشوری که در ارتباط هوایی با افغانستان مشارکت می جوید اما پروازهایی که از این دو کشور به افغانستان صورت می گیرد به صورت منظم انجام نمی شود.

آذال نخستین شرکت هواپیمایی خارجی است که پروازهای منظم به کابل برقرار می کند.

طی ۲۳ سال گذشته که جنگ و بحران در افغانستان جریان داشت، شرکت هواپیمایی (آریانا) تنها وسیله ارتباطی میان افغانستان و جهان خارج بود.

جهانی شدن فرهنگی

پوهنمل سیدعنایت الله شاداب

برخی از نهادهای جهانی شدن فرهنگی را می توان ذیلاً به خوانش گرفت:

-نادیده انگاشتن اساسات و مبادی دین – چه مبادی ایمانی باشد یا احکام شرعی- توسط اندیشه الحادی و نظریات منحرف از حقایق دینی ویا از طریق سبک جلوه دادن احکام و حقایقی ارایه شده توسط دین.

-خلع زن از ویژگی فطری و انسانی آن به نام آزادی، کار و نمونه های آن ها و تبدیل آن به یک کالای تجارتی و جذب، در تبلیغات و قرار دادن عکس آن در پوش مجلات و روزنامه ها و پیش کش نمودن او در برنامه های فریبنده و اغواگرانه کانال های تلویزیونی و آمیزش آن با مردان و وادار ساختنش به کارهای فاقد تناسب به شخصیت او و بر انگیختنش به رقابت با مردان در کارهای مردانه و آزادی او لز التزامات در برابر آنان چه پدران باشند و چه شوهران.

-به همین گونه است کم رنگ شدن برخی از ارزش های خانوادگی ارزش های صله رحم، نیکی به پدر و مادر وغیره ارزش های اجتماعی اسلامی ازطریق نادیده انگاشتن آن ها.

از جمله ارزش های دیگری که جهانی شدن به ترویج آن ها می پردازد وا داشتن و بر انگیختن افراد خانواده است در برابر یک دیگر و به کار بستن رذیلت ها از هر طرف، بدون آن که هیچ طرفی حق اعتراض بر دیگر را داشته باشد.

-یکی از نهادهای دیگر جهانی شدن تحریف مفاهیم بر خاسته از فرهنگ ملت و امت است، تا مسیر گرایش غربی را در نحوه نگرش نسبت به زندگی بر گزیند.

بگونه نمونه قهرمانی وستاره شدن، یعنی تبارز پیش آهنگانه در جامعه در چهره ای که شخصی را در جایگاه منحصر به فرد قرار داده و او را نمونه ای برای افراد جامعه پیشکش می کند.

بدون شک همچو یک تبارزی در جامعه اسلامی، از آن رهبران و شخصیت های ملتزم دینی-چه علمای ربانی باشند و یا فرزانگان و حکیمان صالح- می باشد.

بناً معیار برتری در جامعه اسلامی همانا تقوی است که اساس آن را دانش درست در عرصه های شریعت آگاهی و پرداختن به حق و حقیقت در میاد ین فکری مختلف تشکیل می دهد.

همین دو گروه یاد شده اند که شایسته همچو یک تبارز اند ولی در بسا جوامع اسلامی-به پیروی از روش و اسلوب غربی- کار شکل وارونه را به خود گرفته است. ستاره های جامعه که مطبوعات به تبارز دادن شخصیت آنان و ترویج چهره زندگی و برجسته ساختن داستان های شان، اهتمام می ورزد، اغلباً پایین ترین مردم در زمینه های علمی دینی والتزام اسلامی و حق باوری اند، ولی شخصیت های پر آوازه و مشهوری اند در سپورت، تمایش، آواز خوانی و برخی ویژگی های دیگری از این طراز.

نمونه دیگر: منطق سلیم حکم می کند که این همه برخورداری انسان از هرگونه تسهیلات در زندگی مادی و این همه دست آوردهای تمدنی، نعمت های اند از جانب خدای پاک وبرتر که به عقل بشری قدرت رسیدن به آن را بخشیده است و همه عناصر هستی را رام او گردانیده تا از آن ها بهره جوید، این همه حکم می کند که انسان پیوند خویش را به خدا بیشتر سازد و اورا سپاس گوید و به فضل آن اعتراف نماید.

ولی در سایه اندیشه بریده از خدا، این ها همه به فتنه های تبدیل می گردند که هر نو آوری انسان را.از خدا دور تر و غفلت او را بیشتر می سازدوقدرت های انسانی وتمدنی را که این توانایی هادرسایه آن به وجود آمده است، به خدای گیرند.

نمونه دیگری از جهانی شدن را می توان در زبان به مشاهده گرفت که از طریق حاکمیت بخشیدن زبانی به حساب زبان دیگری جامعه تحقق به تن می کشد.

واضح است که زبان تنها الفاظ جامدی نمی باشد، همین الفاظ اند که به حیث نمادی از فرهنگ تمثیل گردیده و از خلال اصطلاحات ترکیب ها و ضرب المثل های آن، ارزش های ملتی به نمایش گذاشته می شود، اکنون زبان انگلیسی یگانه زبانی است که به خاطر جهانی شدن آن از همه راه ها و شیوه ها، بهره برده می شود، همین بسنده خواهد بود که بدانیم ۸۸ فیصد داده های انترنیت به زبان انگلیسی پخش می گردد(۱)

-به نمایش گذاشتن این همه شیوه های رفتاری خود نوعی از جهانی شدن به حساب رفته و این همه روش های که در خورد و نوش به نمایش گذاشته می شوند، شکل غربی رابه خود گرفته اند.(۲)

به همین گونه می توان به لباس های پسران و دختران جوان و نوشته ها و عکس های این لباس ها و داستان های شعری برای مردان و زنان نگاه کرد که چگونه اند.؟!

افزون بر همه نمونه های گذشته به نشانه های زیادی در زندگی بسا مسلمانان بر می خوریم که جهانی شدن خطر باری را به نمایش می گذارند که توسط آن ها از هویت اسلامی خویش به دور رفته اند، بارزترین این نشانه ها همانا حرص زیاد مادی است که بر مغز انسان سلطه یافته و همه قناعت ایمانی، عبادات و اخلاق انسانی وی را با نزدیکانش قربانی این مصلحت مادی کرده و حتا رقابت مادی بر همه عرصه های زندگی مسلط گردیده است.

یکی دیگر از این نشانه و نمادها هم فروپاشی اخلاقی است که جامعه اسلامی آن را به حیث یکی از عجایب جوامع غربی به خوانش گرفته و نمونه های آن در جوامع اسلامی روز تا روز بیشتر می شوند که از آن جمله می توان به انحرافات جنسی، زنا با محارم، کشتن همسر یا یکی از پدر و مادر و پخش و گسترش مخدرات و مسکرات... اشاره نمود. این ها همه نمادهای متنوع فرهنگی جهانی شدن بود که به خوانش گرفته شد و در حلقه آینده مهمترین مسایل غرب در تجاوز به جوامع دیگر –به ویژه جوامع اسلامی- به بررسی خواهیم گرفت.

مراجع:
موقعنا فی الکونیه نوشته عرابی – ص۲۷
ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه ایجاد رستورانت "ماکدونالد" در برج ایفل را به شدت مورد انکار قرار داده و استدلال کرد که این خود نوعی از تهاجم امریکایی است.

ادامه دارد

حکومت ترکیه و مسألهٔ عضویت در اتحادیه اروپا

ترجمه: نصیر

با آنکه عملاً سیر دپلوماسی در محور بروگسل بسیار بطی وپر از موانع متعددی می باشد، که نمی توان به آسانی بر سیر قضایای آن دسترسی کامل پیدا کرد، با آن هم ماه گذشته حین تجلیل از عظمت و شکوه این اتحادیه آثار تزلزل در کاخ بلند آن مشهود بود، این آثار تزلزل و شکست ناشی از سوالات راجع شده به این اتحادیه می باشد.

یکی از این سوالات راجع شده به اتحادیهٔ اروپا، در مورد چگونگی عضویت جزیرهٔ منقسم شده به بخش های ترکی ویونانی – قبرس خواهند بود،که اتحادیهٔ اروپا در مورد آن چه موقفی را اتخاذ خواهد کرد؟

همچنان سوال چگونگی حل مشکل این اتحادیه، بعد از بروز به حیث یک قوهٔ دفاعی جدید با ناتو خواهد بود، و از همه مهمتر این که آیا کشور ترکیه را به حیث عضو در این اتحادیه خواهند پذیرفت؟ اگر بپذیرند، چه زمانی؟ و روی کدام شرایطی؟ شاید هم یک راه حل برای همهٔ این مسایل بهره برداری و استفاده از برهم انباشتن و مغلق سازی مسایل باشد.

سوالات فوق در آجندای اجلاس ماه دسامبر اتحادیه که در کوپن هاگن برگزار می گردد درج گردیده، تا نظر نهایی اعضای اتحادیه را در راستای گسترش آن و گذاشتن نقطهٔ پایان بر آثار جنگ سرد گرفته و به تصویباتی نایل آیند. پذیرش ده کشور اروپای شرقی که قبلاً عضویت پیمان ورسای (بلاک روسیه) را داشتند، از جمله دوازده کشور عضو آن پیمان گام بزرگی خواهد بود که اتحادیه بر می دارد.

در مورد دو عضو باقیماندهٔ پیمان "ورسای قبلی" (بلغاریا و رومانیا) تاریخ مذاکرات جهت پذیرش شان تعیین خواهد گردید که به این ترتیب طی چند سال آینده این دو کشور نیز عضویت اتحادیهٔ اروپا را به دست خواهند آورد.

اما در مورد ترکیه به شکل دراماتیک نظریات غیر متوقعی ارایه گردیده است، منجمله در اجلاس بحث روی "منظور از اروپایی بودن" صورت خواهد گرفت که این خود می تواند نقاب موزون انسان دوستی را از چهرهٔ شوونیزم این اتحادیه به در آورد.

همچنان در منازعه میان ترکیه و یونان بر سر جزیرهٔ قبرس که از سالیان درازی بدینسو موجود است، در صورتی که اتحادیهٔ اروپا خواهان شمول قبرس در این اتحادیه باشد، با در نظرداشت سبوتاژ و ویتوی یونان که عضو اتحادیه است، از شمولیت تمام جزیرهٔ قبرس در اتحادیهٔ اروپا، شاید تنها بخش یونانی این جزیره را به عضویت اتحادیهٔ اروپا بپذیرند، زیرا در صورت پذیرش تمام جزیره به عضویت اتحادیه، بخشی از ترکیه عضویت اتحادیه را به دست خواهد آورد، و در صورت عدم پذیرش بخش ترکی جزیره، ترک های این جزیره حق خواهند داشت بر همچو تصمیمی از جانب اتحادیهٔ اروپا ایراد گیرند و احتجاج نمایند و شاید یکی از راه های جلوگیری از اعتراض ترک های قبرس، همانا تعیین میعاد برای عضویت شان، از جانب اتحادیه باشد، در غیر آن شاید فشار رأی دهندگان بر حکومت توسعه و عدالت زمینهٔ الحاق شمال قبرس را از طریق مداخلهٔ اردوی ترکیه نیز فراهم سازد، که این امر خود سدی خواهد بود در راه عضویت ترکیه به اتحادیهٔ اروپا و عواقب وخیمی نیز به دنبال خواهد داشت.

با آن که عدهٔ کثیری از اعضای اتحادیهٔ اروپا خواهان پذیرش ترکیه به حیث عضو این اتحادیه می باشند، اما ترک ها بیش از این سیاست رفتار سنگ پشت بروگسل رانمی پسندند و خواهان تصمیم اتحادیه در مورد عضویت کشور شان در این اتحادیه می باشند.

با پیروزی قاطع ماه گذشتهٔ حزب توسعه و عدالت در انتخابات ترکیه و تشکیل یک حکومت نیرومند و با ثبات در این کشور حزب حاکم و رهبر آن طیب اردگان تلاش های پیگیر خود را در راه کسب عضویت اتحادیه به راه انداخته اند ویکی از سوالات شان از اتحادیهٔ اروپا تعیین تاریخ مذاکرات غرض کسب عضویت به کشور های بلغاریا و رومانیا و مجهول گذاشتن مساله عضویت ترکیه می باشد، در حالی که از لحاظ واجد بودن شرایط عضویت ترکیه بردو کشور بلغاریا و رومانیا برتری های قابل ملاحظه یی را دارا می باشد که عدم پذیرش ترکیه دراتحادیهٔ اروپا مترادف با صدمه رسانیدن به حکومت جوان حزب توسعه و عدالت خواهد بود.

آقای طیب اردگان اخیراً در رابطه به حل مشکل قبرس نیز طرح کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل را تأیید نموده، طرحی که یونان نیز آن را پذیرفته است.

در همین حال مسوول پالیسی خارجی اتحادیهٔ اروپا آقای سولانه در کنار لست طویل خواست های اتحادیه از ترکیه برعلاوهٔ حل مشکل قبرس، اصلاحات اجتماعی و حقوق انسانی، خواهان ابراز نظر ترکیه در مورد تشکیل قوهٔ جدید دفاعی اتحادیهٔ اروپا نیز گردیده، زیرا آقای سولانه مطمین نیست که ترکیه بتواند در موارد فوق همسطح کشور های اروپایی خود را عیار سازد، و بر اساس این نظریه، ده سال دیگر در کار خواهد بود تا ترکیه عضویت اتحادیهٔ اروپا را حاصل نماید.

در کنار این همه مواردی که به خاطر کسب عضویت ترکیه مد نظر گرفته شده است، مسأله مهم واصل اروپایی بودن که واقعاً اروپایی کی است و کی ها اروپایی نیستند یکی از مباحث پر سروصدا در اجلاس اتحادیهٔ اروپا خواهد بود.

رئیس جمهور اسبق فرانسه جسکارد ویستانگ شمولیت ترکیهٔ مسلمان را در اتحادیهٔ اروپا با مرگ اروپا مترادف دانسته است. در این صورت مشکل دیگری به میان خواهد آمد که آیا اتحادیهٔ اروپا بر یک مجمع نصرانی اطلاق می شود یا منظور از اتحادیهٔ فعلی اروپا نیز همان اتحادیهٔ قبلی اروپا می باشد که حتی بر عضویت انگلستان نیز در آن ایراد گرفته می شد.

حال بر اتحادیهٔ اروپاست که یکی از این دو راه را برگزیند، یا راه پذیرش تعدد فرهنگ ها را یا این که صرفاً این اتحادیه شکل دینی نصرانیت را داشته باشد.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره یازدهم دوشنبه ۳۰ جدی ۱۳۸۱ - ۱۹ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 20 January 2003

داوم نمبر قول اردو قوماندان ستر جنرال عطا محمد:

یو متخصص او مسلکي پوځ ته اړتیا لرو



د افغانستان په شمال کې د اوم نمبر قول اردو قوماندان ستر جنرال عطا محمد چې په دې ورستیو ورځو کې کابل ته راغلي دی د بي بي سي د خبریال ددې پوښتنې په ځواب کې چې د مزار شریف په ښار کې د شپې پاڼو د خپرولو په هکله چې خلکو ته په کې دامریکا پر خلاف د جهاد بلنه ورکړل شوې وه، داسې وویل:

دغه د شپې پاڼې قلمي دي او د مزار شریف د روضې مبارکې پر دیوال او ځینو نورو کموخایونو کې ځړول شوي چې د حزب اسلامي په آدرس خپرې شوې وي

حزب اسلامي په شمال کې کوم ښست نه لري او نه هلته مطرح دي. موږ له دې پلوه انشا الله کوم تشویش نه لرو.

ده دیوې بلې پوښتنې په ځواب کې چې د بلخ ښار او مرکز ستاسو او د جنرال دوستم د ځواکونو له خوا تر کنترول لاندې دي او په نوموړي ښار کې د بد امنې رپوټونه ورکړل شوي دي. تاسو په دې ښار کې د ډاډ منې سولې په راوستلو کې څه تر سره کړي ؟ وویل: موږ د بلخ په ښار کې پوځي مرکز نه لرو، زموږ ځواکونه د بلخ د ښار په شا او خوا کې موقعیت لري، چې دغوښتنې په وخت کې ددغو ځواکونو راټولو ته چمتو یم. زما غوښتنه له چارواکو څخه داده چې د خلکو شکایتونه له نږدې څخه واوري او د هرچا څخه چې شکایت کیږي سمدستي دې د هغوی هډې بندې او ځواکونه یې بې وسلې کړي.

محترم استاد عطا محمد د بي بي سي د خبریال دیوې بلې پوښتنې په ځواب کې چې تاسو د ملي اردو په جوړولو کې څومره ونډه لرئ، وویل : د ملي اردو دجوړولو د کمیسیون په طرح کې د مجاهدینو حقوق بشپړ مراعات شوي دي او کوم ظلم یا درغلي نه لیدل کیږي او د څلورګونو کمیسیونونو د رئیسانو په ټاکنه کې هم چې با درده – مطمئن او مجرب خلك دي بشپړ راضي یو.

دیوې بلې پوښتنې په ځواب کې چې د کمیسیون په کار کې د عدالت معیار ستاسو په آند څه شي دي محترم استاد عطا محمد وویل: په دې کې هیڅ شك نه شته چې باید د مجاهدینو حقوق په پام کې ونیول شي. هغه سرتیري او افسران چې په اردو کې دننده تر سره کوي د هیواد درد ورسره وي ، متعهد، متخصص او د ښې سابقې لرونکي وي او په ترکیب کې یې د ټولو ملیتونو حقوق په پام کې ونیول شي.

ده ددې پوښتنې په ځواب کې چې آیا دیوې متخصصې اردو په جوړولو کې هم تاکید او ټینګار شوي دي ؟ وویل:

ښکاره خبره ده چې موږ یوې متخصصې او مسلکي اردو او پوځ ته اړیو او څوك نه شي ویلای چې مجاهدین متخصص نه دي. که مجاهدین متخصص نه وای وطن ته به یې نجات نه وای ورکړای. که مجاهدین متخصص او مسلکي نه وای نو پخواني شوروي پوځونو ته به یې ماته نه وای ورکړای؛ نو څکه ویلای شم چې موږ یو واقعي متخصصې، مسلکي او تخنیکي اردو ته اړتیا لرو.

حکمتیار و قطب الدین هلال، دو موضع، دو طرز دید



قطب الدین هلال رئیس دفتر حزب اسلامی حکمتیار در پشاور اظهارات مخالف با طرز دید حکمتیار را عنوان کرد.

قطب الدین هلال ضمن مصاحبه یی با بخش پشتوی رادیو بی‌بی‌سی. در برنامهٔ شامگاهی ۱۹ جدی اظهار داشت:

ما هیچگونه رابطه یی با حکمتیار نداریم و آنچه ما می گویم نظر شورای رهبری حزب اسلامی است. ما مخالف تروریزم و صرف یک تنظیم دعوت گر می باشیم. ما به مذاکره و راه حل از طریق مذاکره باور مندیم. این موقف ما یک سال قبل اعلان گردیده است و ماهیچگونه رابطه یی با گروه های تروریستی نداریم.

آقای هلال در رابطه با اعلان موضع آقای حکمتیار مبنی بر ضرورت جهاد بر ضد نیروهای امریکایی سخن روشنی نگفت و صرف به تکرار این سخن اکتفا ورزید که با ایشان کدام رابطه یی ندارند.

او شایعه انشعاب در حزب را رد کرد و گفت: در حزب ما هیچگونه انشعابی رخ نداده و ما یک حزب متحد و یک پارچه هستیم.

حقایق هرچه باشد روشن خواهد شد مهم این است که آقای هلال با صراحت گفت با آقای کرزی و مارشال فهیم مذاکره کرده و دیدگاه رهبران دولت انتقالی را سودمند و شفاف خوانده است. او اضافه کرد تا هنوز به کدام توافقی دست نیافته ایم.

اگر این گفته ها حقیقت داشته باشد و این ادعا مبنای عملی بیابد که حزب اسلامی فقط یک تنظیم دعوت گر است و به مذاکره و راه حل صلح آمیز مسایل ارج می گذارد و طرفدار اعمال تروریستی نیست و می خواهد تا در آینده افغانستان نقش سالم و سازنده ایفا کند این کاری است که بی تردید با استقبال مردم روبه رومی گردد و دولت نیز به آن پاسخ مثبت خواهد داد.

پروژه های تعلیمی برای کودکان افغان

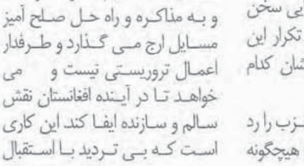
اخیراً جنبش تعلیم کودکان افغان پنجاه وهشت پروژه در زمینه های مختلف تعلیمی کودکان ونوجوانان مهاجر افغان در افغانستان و ایران ایجاد کرده است.

محسن مخملباف که رئیس جنبش تعلیم کودکان افغان می باشد گفته است که سواد آموزی و حفظ الصحه و تعلیمات امور هنری و فرهنگی از پروژه های این جنبش بوده است که برای کودکان مهاجر افغان در ایران و افغانستان طرح ریزی و اجراء شده است.

مخملباف افزود: تعمیر و تجهیز مکاتب در افغانستان و ایجاد اشتغال برای کودکانی که در سرک های کابل گدایی می کنند از پروژه های دیگری جنبش تعلیم کودکان افغان می باشد. بر اساس همین گزارش تأمین کننده منابع مالی این پروژه ها دولت جمهوری اسلامی ایران، خانه فلم مخملباف و کمک های مردم ایران اعلان شده است.

خط هوایی میان کابل–باکو ایجاد گردید

شرکت هواپیمایی دولتی جمهوری آذربایجان (آذال) خط هوایی میان باکو، پایتخت آن کشور و کابل، دایر کرده است.



یکی از هواپیماهای بوئینگ ۷۲۷ شرکت آذال که روز چهارشنبه (پانزدهم جنوری) پروازی آزمایشی از باکو به کابل انجام داد از این پس در هفته سه بار میان این دو شهر رفت و آمد می کند.

بدین ترتیب فرودگاه باکو می تواند به گذرگاه عمده مسافرانی تبدیل شود که میان افغانستان ص ٦

از نامه های آمده

وزارت صحت عامه درتربیه کادر های مسلکی توجه نماید

تداوی موثر تنها در موجودیت وسایل مدرن امکان پذیر است

احترامات خویش رابه دست اندرکاران جریده مجاهد تقدیم می دارم.

به همه گان روشن و هویدا ست که تداوی موثر در پی تشخیص دقیق انجام می پذیرد، چنانچه تداوی قناعت بخش در کشورهای پیشرفته مدیون وسایل مدرن وپیشرفتهٔتشخیص می باشد که در اختیار دارند.

در کشور ما این وسایل بسیار اندک و در سطح هیچ قرار دارد که در زمینه مجهز نمودن شفاخانه های کشور با این وسایل وزارت محترم صحت عامه آن چنانکه لازم است توجه ننموده است. اگر وسایلی فعلاً در دسترس ما قرار ندارد، امیدواری های زیادی وجود دارد که در آینده نزدیک کشور های دوست این وسایل را در اختیار ما بگذارند، پس از همین حالا در فکر تربیه کادرهای متخصص در این زمینه ها باید بود.

طبق اطلاع یک تعداد بورس ها که نمی دانم نامش را چه بگذارم در اختیار وزارت محترم صحت عامه قرار گرفته است که مصارف آن از سر جمع کمک هایی پرداخته می شود که به کشور ما صورت گرفته است. مثلاً از جمله این بورس ها تعداد هم مربوط کشور ترکیه است که شامل دوره های سه ماهه و شش ماهه می باشد که تا کنون چندین دسته از دکتوران از آن استفاده نموده اند اما طبق اظهارات دکتورانی که از آن استفاده کرده اند این بورس ها چندان موثر نبوده و صرفاً در حدود یک بازدید از تجهیزات شفاخانه ها و طرز تداوی در این کشور بوده است. در حالی که کشوری مثل افغانستان باید از این امکانات استفاده اعظمی نماید. در مدت شش ماه می توان دکتری را در کاربرد یکی از وسایل مدرن تشخیصی پرورش داد، زیرا دکتران ما از نظر تیوری کاملاً با این وسایل آشنایی دارند و در مدت شش ماه می توانند کار برد عملی این وسایل را فرا گیرند همچنان جهت تربیه کادرها در عرصه های مغلق و پیچیده، این وزارت می تواند بورس هایی دراز مدت را تدارک نماید.

همچنان مساله دیگری که قابل یاد آوری است موجودیت چند مرکز خصوصی در شهر کابل است که مسوولیت آموزش دهی دکتوران را عمدتاً در بخش التراسوند به عهده دارد.دوره فراگیری این مراکز معمولاً ۴۵ روز را در بر می گیرد که فیس آن در حدود ۲۵۰۰۰ کلدار پاکستان می باشد.

امیدوارم وزارت محترم صحت عامه در این مورد نیز توجه نمایند تا از یک طرف مدت زمان آموزش افزایش یابد زیرا این مدت آن قدر کوتاه است که در طی آن صرف طرز استفاده از ماشین التراسوند و بعضی از معاینات معمول را می توان آموخت، اما دیدن و آموختن بعضی واقعات نادر و مغلق مدت زمان بیشتر را ایجاب می نمایدو از طرف دیگر فیس آن که بسیار بلند است کاهش داده شود تا دکتوران بیشتر بتوانند از آن استفاده موثر نمایند تا موضوع خدمت به هموطنان مظلوم، تحت شعاع تجارت ومسایل مادی قرار نگیرد.همین اکنون این دور کوتاه آموزش مشکلاتی را در زمینه تشخیص درست بعضی واقعات بسیار ساده به وجود آورده است، زیرا دکتوران بعد از سپری نمودن ۴۵ روز، جواز انجام معاینات التراسوند را به دست می اورند.

در اخیر یک بار دیگر تاکید می نمایم که تداوی قناعت بخش تنها و تنها در موجودیت وسایل مدرن تشخیص و کادر های متخصص آن میسر است و بس،

با احترام
دکتر اجمل

حمله امریکا بر عراق قریب . . .

با خبرنگاران قبل از ترک قبرس به مقصد بغداد گفت که کشف این اسناد نشانه یی نگران کننده است.

وی این سوال را مطرح کرد که آیا عراقی ها مدارک دیگری را نیز مخفی کرده اند؟

فلاح حسن حمزه، دانشمند عراقی که اسناد از خانه وی به دست آمده، گفته است که بخش اعظم این مدارک حاوی یادداشت های شخصی وی از روی گزارشی بوده که قبلا تسلیم سازمان ملل متحد شده است.

عراق در گزارشی دوازده هزار صفحه یی اطلاعات مربوط به برنامه های هسته یی، شیمیایی و میکروبی خود را در اختیار شورای امنیت قرار داده است.

تسلیم این اطلاعات بخشی از خواست های مندرج در قطعنامه شورای امنیت است اما ایالات متحده این اطلاعات را جامع و کافی ندانسته است . آماده گی های نظامی امریکا در خلیج نشان می دهد که چنین گزارش ها و اظهاراتی جلو حمله امریکا بر عراق را نخواهد گرفت و آغاز جنگ قریب الوقوع به نظر می آید.